

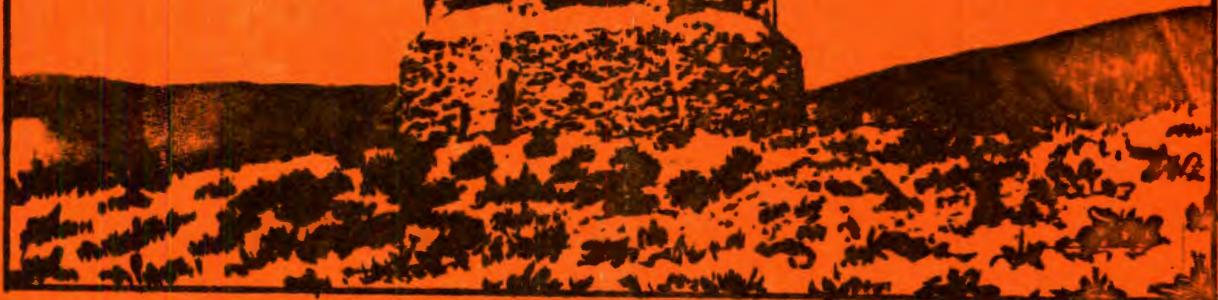


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
جَمِيعُ الْمُسْكَنَاتِ



اگان نشری شورای مرکزی ارشاد جهادی حوزه جنوب غرب جمیع اسلامی افغانستان

سال ۱۳۶۰ - شعبان ۱۴۰۲ (۱۹۸۱) بهار ۱۱ - ۲ جمادی الاول ۱۴۰۲



یکی از آثار باستانی کشور غریز ما (مناره آزادی) در شهر غزنه



## ارگان اشرافی شورای مرکزی ارشاد جهادی حوزه جنوب غرب جمیعت اسلامی افغانستان

سال اول شماره، ششم ۱۳۶۲ قوس ۱۱ دسمبر ۱۹۸۸ (حدادی الاول ۱۴۰۹)

محل	مطالب	صفحه	مطالب
۳۹-۳۸	عمر فسان .....	۸-۴	شناخت عوامل ان راغی ..
۴۱-۴۰	اتحاد قرآن .....	۱۲-۹	عقیده بوجود خداوند (ج)
۴۲	حضرت بلال (رض) ..	۱۲-۱۳	کنفرانس مطبوعاتی .....
۴۵-۴۳	یادواره شهداء ..	۱۹-۱۸	پاسخ امیرعموی ..
۴۶	گزارشات ..	۲۳-۲۰	به کی باشد اعتماد کوئه ..
۴۸-۴۷	جهان در ماهی که ..	۲۸-۲۴	طب و صحت مردم ..
		۳۱-۳۱	جلوه گاه شعرواری ..
		۳۲-۳۲	جريدة ندای نواهران ..
		۳۲-۳۴	اصالت انسان و ..

### رویداد ها

\*\*\*

- \* ۲۵ عقرب ۱۳۵۸ تمام مردم مسلمان کندوز و ترکخیل .
- \* ۲۵ عقرب ۱۳۶۵ فتح فرقه نهرجن در ولایت بغلان .
- \* قوس ۱۳۶۳ شهادت امیر امارات عمون بلخ .
- \* استاد عبدالقادر بیسیع الله .

# \* شناخت \*

## \* عوامل انحرافی انقلاب از \*

### \* علیه و اسلامی اش \*

الحمد لله والسلام على مباركة الله، بين المصطفين

ما هر و قتیکه خواسته با شیم پیرامون موضوع از هر لحظه و در هر بعدی  
مطابعه بگنیم و در باره آن تحلیل و بررسی انجام دهیم و یا در معرفت و انکار چیزی  
سخن برا نیم ، نا گزیر به مبارکی دین رجعت سیکنیم و مبدأ عقیدتی ما جز اسلام  
و حیات پر میمت پیا مرا اکرم صلوات الله علیه واصحاب کرامش رضوان الله تعالی  
علیهم اجمعین که با نزول و حی از جانب حق سبحانه تعالی ارشاد  
میگردیدند ، چیزی دیگری نیست .

پس دوران رسالت آن عالی جناب و کارروائی های یاران ایثارگر و فداکارش  
در تمام شئون زندگی برای امت مرحومه اش منحیث سر منق و نوعه عالی  
در مرابت تاریخ نقش بسته ، هر مومن با مشاهده آن مراتب ، میتواند سپهر  
نیک را از بد و بد را از نیک در دوران زندگانی دنیوی تشخیص کند و راه دلخواه  
خود را بیهاید ، خصوصاً که قرآن مجید ، طبیب دانای مطلق تعالی امراض ظاهری  
و باطنی بشریت با تشخیص درست در راه ، دوای لازمه را برای انسان تو صیمه  
کرده است و در ترازوی آیات بینات آن ، تعامل کردار های نیک و بد سنجیده شده  
و میشود و در مجالی آیات روشن آن صورت اعمال نیک و زشت چنانچه است  
مشاهده میگردد ، راست روی با وعده های روح افزای آن از جنت الرضوان سرور  
بخشن جان های الم کشیده ، داعره مصیبت دنیا میباشد و وعده های پر خطر آن  
در سیمای هیبتناک دوزخ که ذکر آن ستخوان انسان مومن را به سوز  
آورده و تن را میلرزاند ، بیم دهنده رو دگان راه ضلال و تن به هوای نفس  
و فرمان شیطان را دگان میباشد و برای حفظ سیر حقانی و احتراز از غلطیدن  
در بسیاری نا پیدایی گرفتی چه باشد کرد ؟ و چطور میتوان راه حق را  
دو میان کوره راه های غفلت و ورطه هلاکت بازیافت .

ما که در افغانستان عزیز به خاطر نصب و چوکی قیام نکرده ایم ، به خاطر  
بدست آوردن سرمایه های هنگفت ، ملیون کشته نداره ایم ، به خاطر مذافع  
شخمری ، انقلاب برای نیانداخته ایم ، بدستور این یا آن قدرت استکجا ری  
تن به هجرت و خواری نه نهادیم ، به نسبت وارد کردن افکار متفرقه که وحدت

جامعه را به چند پارچگی که بزرگترین بلای خانمانسوز و باعث هلاکت اخروی و نابودی دنیوی است، به سیروسیاحت خارج نشده ایم، بلکه دین ما که در حقیقت روح مابوده و هست و بزرگترین سرمایه ظاهری و باطنی ما محسوب میگرد دود رمعرض خطربرود و اسلام ماتوسط لشکر شیاطین لینینیستی، قریب بود از قلوب ملت مسلمان ما باوسوسهٔ ماتریالیزم دیالکتیکی و چنگال خونین دیویسیر تان حزب‌نام نهاده خلق یکشیده شد، به چشم‌های خود دیدیم که میخواستند درخت بارور اسلام را بر جراحت اشغال نهاده ایت، از زیشه برکنند و نهال خبیثه کفر و الحار را بجای آن غرس کنند، ولی اسلام در ختن محکمن بود و هست، کسنه (اصلها شاست و فرعهای فی السماء، تیوهی اگل‌های گل‌های همین بیان رهایا) که هیچ ابزار و عقیده‌ای از عهدهٔ استیصال آن برآمده نمیتوانست، چرا که کلمهٔ خبیثهٔ ما دیگری (که هجرة خبیثة ناجتلت من لول الأرض هالماء من قرار) در مقابل آن، کلمهٔ طیبه قرار داشت، بنابرآ قرآن، ملت مسلمان افغانستان را که از مرحلهٔ از عقلت و ذهوت قرار داشتند، با تازیانهٔ (والله لا يقاتلون في سبيل الله و العصاة ضعفیین) ایقاظ کرد و دستور بسیج عمومی و وارد شدن به معركهٔ خونین جهاد مقدس با صدور حکم جهاد (یا ایهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحْذِفُوا هذِهِ رُكْمٌ فَإِنْفِرُوا ثِيَاتِ أَوْالَدُرُوا جمیعاً) صادر کرد و مقاومت غطیبی در بلاد و نواحی مملکت، علیه طاغو تیان عصر حکومت مذبور و حمایه گران انتربیونالیستی شان از (مسکوتاً کیوباً، و یتنتمام چکو سلواکی و لهستان) و تمامی دول آقمار درکشور ما سازمان داده شد، که چه صحنه‌های جگر خراشی از کشتارهای دسته جمعی زنان، طفلان، پیرمردان و جوانان وطن ما توسط قوای جهنه‌ی اردوی سرخ درکشور عزیز ما به جا نهادند؟ چه تمداد شهرها و اماکن که با خاک یکسان شدند؟ بچه تعداد مساجد و عبار تگاه ما که با راکت و بمب گلوه، ابوس و میله، تابک منهدم نگردید؟ چه آثار گرانبهای تاریخی که از میان نرفت؟ اگر در همین هراث نظر بیان فکشیم، من بینیم که در کنار ایوان محروم به، جامی که به تسل خاکی شباهت دارد، میبینیم که افراد اردوی سرخ چون جندهای ویرانه نشین در جنبت تربت مولا نائیو رالدین عبد الرحمن جامی (رح) که زمانی محل آموختن فقه، معارف و ادبیات اسلام بود، سرورد استقما رزو کمونیزم را زمزمه میکنند، گند شاهزاده شاه و گو هرشاد خاتون با طاق‌های مقرنس کاری شده، با اصابت گلوه، توب ازهم پاشیده و خواب‌گاه ابوالولید راهی، فقیه محدث بزرگ، چندان آماج گلوه‌های توب و راکت قرارگرفته که از آن بقیه، فاضله جزا نیاز خشت، چیزی به مشاهده نمیرسد.

بر بالای مزار کثیر البرکات ذوی البراهین، امام فخر الدین رازی، سپاهیان کفر ترکتازی دارند و بر زیارت حضرت شاهزاده عبد‌الله و عبد‌الله الواحد که ارسلالله خاندان ختنی مرتب، بشام شهزاده‌ها و سلطان آتا شیرت دارند، چه تجاوزات و بسی حرمتشی که از جانب کشمنان صورت نگرفته، قبر سلطان تحت قدام های ناپاک مزدوران رو سی شهر روز لگند مال میشوید و خلسه کلام گفتگوی های نزین مورد آنقدر زیاد است که بگفته مثنوی به

آن سرچ بیحد شود مثنوی هشتاد من گاغله شود

چقدر مواشی ، اموال ، مزارع ، اشجار و اثمار که در آن بر هجوم های بی شمار ضنوف محارب دشمن از بین نرفت ؟ و به چه شدад از ملت که آهنج هجرت نکردند ؟ بلی ، همه این جریانات بالای ملت مظلوم ما آمد ، ستمگران قرن آنچه از مطالعه تواستند ، علیه ملت مسلمان ما درین نکردند .

چرا این همه خشنوت ، بیرحمی ، خرابی ، بر بادی ، کشتار مظلومان بیدفع اچپاول ، تطاول ، غارت و ایجاد رعب و وحشت به خاطر چه ؟ اینجاست که به تمام سؤوالات باشد پاسخ داره شود :

با خاطر اینکه ملت ما ، مسئولانه جواب استکبار را گفتند و راه خود را انتخاب کردند و آن دیانت اسلام ، طرد کمونیزم مادی گری با تمامی اشکال کفر و شرک بسوز خلقی و پرچمی ها را نمی خواستند ، چرا ؟ چون آنها مزدوران بی اراده رو سیه بودند و رو سیه را چرانم خواستند ؟ به خاطر اینکه بیگانه بوده و هستند کافرو دهری و مت加وز و استعمار گرو استعمار گر هستند ، خون آشام ، دشمن جان و مال بشریت بوده و هستند و میخواستند که بجای دیانت اسلام ، کمونیزم ، این مسلک منحط و مبتذل ترین شکل دهریت و الحاد را پیاده کنند ، تن و روح ما را به بندگی و ازدارند و تمامی ارزش های فرهنگی و معنوی ما را از میان بردازند و به عسوی هر فرد از ملت ما ، چون تره کی و ببر ک ، امین و نجیب ، انسان های بی اراده و بی روح بسا زند ، تا منافع شان در منطقه تضمین شده باشد .

ما جهاد کردیم و این روند تا شکست نهائی استعمار در کشور ما ادامه خواهد راشت ، یعنی که جهاد ما به خاطر آزادی اسلام و وطن محظوظ ما ، که (حب الوطن هن الیقان) است ، شالوده ریزی شده است .

فرزندان قهرمان شما ملت مومن در همین هرات در مدت ده سال ، با شدید ترین جنگ ها ، دشمن را در میادین کاز زاز زبون ساخته اند و شما میدانید که تفاوت از قبلیں جنگ افزار های پیشرفت و امکانات با تجهیزات فوق العاده میان اردوی نیرومند ابر جتاور روسی و مجاهدین جان برکف اسلام در افغانستان ، از کجا تا به کجا میباشد و چقدر غیر قابل مقاومت نداشته و نا موزون است .

لیکن وقتیکه ثبات صاحبان عزم های فولادین را در مقابل صاحبان تانک های فولادین می بینیم ، معجزات قرآن یکی بی دیگر ظاهر میشود و معانی آیات قرآنکریم از عزم و فتوحات دلاور مردان موهمن صورت نمائی میکند ، چنانچه حضرت خداوند (ج) میفرماید : (اَذْن لِلّٰهِ بْنِ يَٰٰتَّٰلُوْنَ بِالْمُظْلُمِوْنَ وَ اَنَّ اللّٰهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَّٰتَّٰلِيْر ) بدرستیکه ملت ما با عزم راسخ تصمیم به جهاد میگیرند و خداوند بزرگ این مشت قلیل را در مقابله نیرومند ترین قدرت مستکبر حمایه میکند و نصرت میبخشد ، که دوام دلیرانه هدایت تاریخی همانا مظہر نصرت برحق الہی میباشد . و هر فرد از شما ، صحنه های را از درگیری و مصاف میان قوا محاصره چی روسی و

مدافعین مجاهید ما بیاردارید، بیاردار ازید که یک مقطعه چگونه با سه هزار تانک و وسا بیطیو تر دار و زرهد از دشمن از زمین به محاصره کشیده میشد، ۶۰ الی ۲۰ هلیکوپتر روسها، دهات و هوا ضعیف مجاهدین را با زیکو یک راکت و بم تحت آتش میگرفتند، طیارات پیشرفته میگردید، توپ لف و سوخوی، قریه جات و خانه های اهار و موی ضعیف مجاهدین را بمباران میکردند، بطریه های توپچی سنگین و دستگاه های راکت انداز خفیف و شقیل روسها مناطق را تحت شفاع آتش خود قرار میدارند که حتی مرغان هوا نیز از کشت مردمی های آتش بار درامان نبودند و به هوا بر پا نمیشدند و نفس ها به گلو میرسید، همای شهرات بالای عده کشیری از مومنین و مومنات بیال من گشود، رسیل مجر و حین منحیت یادگار ارزند زمان جنگ به دامن جامعه مصیبت دیده تحول یل میگردید، که این جریانات تاکنون بشدت ادامه دارد.

ولی سنگرها خالی نشد و دشمن در او لین قدم هجوم، چنان در عربت گرفته و میگرفت که بارای پیش روی را گم میکرد، که سایه های آهنین شان، با او لین فیرو راکت (آرسن - جی) سنگرنشیان حمامه گردید، چون خرچنگ به خاک من نشست و عده کشیری از مهاجمین روسی وايادی شان روانه در رکات نار میگردیدند، که لاشه های تانک ها و طیارات غول پیکر متلاشی شده در هرگوش و کنار، نشانه آن همه مجاهدات فراموش ناشدنی است.

پس بر شما ملت مجاهد و مهاجر است، تا این افتخارات را که با قهرمانی ها و برشادت های بزاد ران، فرزندان و پدران شما بدست آمده است، با رعایت اصل تقوی و وحدت صفووف حفظ کنید و نگذارید تا این گنجینه ذیقت، که آبروی دنیوی و مایه رستگاری اخروی برایتان محسوب میگردد به اثر انحرافات جسمی و فکری خدای ناخواسته بیار فنا برورد. چنانچه بپای مبارکم (ص) فرموده اند پر (جهاد گنی و بفراندان نان مجده وعد منت هیئت بگذارید) شاید چوننده محترم از اطناب سخن منز جزو یا خسته شود ولی ۵۰۰۰ دخانیت که ما ملت مسلمان افغانستان گذشته قبل از گوشه تای کمونستی را در کشور خود بپار آوریم و علیل اساسی این نه سال مسقات را در گذشته پراز غفلت خود چستجو کنیم. حالا که انقلاب اسلامی ما در آستانه پیروزی قرار دارد و ما در این و یا آن کشور مسلمان مهاجر میباشیم، تباید به گذشته که باعث این همه بد بختی برای ماشده رجوع نما نیم، بهتر است که به اساسات دین مقدس خستور استوار باشیم، از عینتدم خرف که صبغه جاھلیت دارد، ابا وزیر، از معنویات به ما بیان و وسائل و اسباب عیاشی رو نیاوریم و آنچه که مغایر با کتاب و سنت حضرت رسول اللہ (ص) است، از لحاظ شرعی برای مهاجرین و رطبه هلاکت محسوب میگردد. خصوصاً که فامیل های شهداء را پهلوی هر یک از ما و شما قرار دارند پیتیمان زیاد نبی پدر، لمنتظر اند تاچه کسی دست عطفت و مسیرانی بررسان بشد پیارم می آید، بخیرک پیتیمی که پدر تازه شهیدش را هنوز از پسر نبرده بود که جدّ پسا لخورد اش نیز به لقاء اللہ پیوست و ایشان را تنها گذاشت، در حالیکه

قطرات اشک برگونه، صفرایی این می‌چکید، به یکی از اقارب کهنسال می‌گفت؛ حالا که پدر م شهید شده و با بایم نیز مرده، پس شما با با جانم باشید. این سخن انسان را میلرزاند، اگر کمی احساس بشری در ضمیر انسان و جسد باشد، احتیاً خ مفروظ آن ظلک یتیم را نسبت به ترحم و تفقد درک میکند، از همین روست که پیا مبر (ص) می‌فرماید: (من و متکفل پیتم، بمانند این دو انسگشت در جنت مقارن میباشیم و اشاره کرد بد و انسگشت سبابه و وسطی وقدری بین آنها فاصله گذاشت) می‌بینیم که مجالس مهماتی‌ها، شب‌نشینی‌ها که بنام های محافل خیارات شیرینی خوری و عروسی بسیار زیاد در هرگوش و کنار دیار هجرت برگزار میگردند اما با همان سبک تشریفاتی خشک که زینت بخش آن جزا شخص سرشناس، از فقرای مهنا جزین، در آن اثری نیست، درحالیکه حضرت رسول کریم (ص) به فقرای مهاجرین تو سل جسته، چنانچه مضمون حدیث شریف ذیل برآن دلالت دارد (کان رسول اللہ (ص) یستفتح بصفا لیک المهاجرین) "خاصتاً" عده از متولین ما، محافل غزوی و سری را در تلا رهای مفسن با سبک بروزوازی ترتیب میدهند، درحالیکه همانطور یکه ما از اخلاق سوء کمو نیز م بیزاریم، از اخلاق بروزوازی غرب نیز با یمسد محترز باشیم، و رته فرجام بدی را انتظار باید برد، زیرا قصه‌های ام ماضیه که قرآن عظیم الشان در داعره سوء فرجام شان را بیان نموده که علت اولی، وجود عیاشان در فیان آنها بوده، چنانچه خداوند بزرگ درین آیه معظمه میفرماید به (واذ آرد نا ان نهلك قریه امرنا متر فیها فسقو ا فیها فحق علیها القول فد منها تد میرا)

و مهمتر از همه، دانستن شرعاً عطفعلی و اوضاع حاکم بر جامعه ما میباشد، که اگر بطور سطحی آنرا تلقی نمائیم، خطرات مصیبت بار بعدی متوجه ما خواهد بود. برادر عزیز مهاجر و مهساز! هر کدام از شما یاًن جتناً عزیزانی را در راه رسیدن به رمان مقدس اسلام به پیشگاه خدای متعال (ج) شهید داره اید، چرا بیار نمی‌آوری پیکر آغشته بخون شهید خود را؟ پارچه‌های تکه تکه شده بدن ش که در قفار و مقا بر سائر گلگون بدنان راه تو حید و یکتا پرستی به حیث ثقه ترین سند جهاد تو در دل خاک خفته است، من در فصل بهاران دیدم که مزار شهید تورا شگوفه‌های سپیده رنگ پرندی آذین بسته و گل لا له بر فراز سینه آن رسته، که قدرات خون شهید از ساقه به گلبرگ آن بالا میدوید، گوئیا این جسد آغشته بخون وی را آغینه داری میگرد و در تیرماه سال، برگ‌های درختان با ریش بالای حظیره شهداء با سینه‌ای صفرایی خویش رخسار زرد گونه شهید ترا منعکس میگرد و زمستان پنبه سپید رنگ آسمانی، چندان بر مزار شهید تو فرو میریزد، گوئیا خداوند بزرگ (ج) هر سائل حلیه پرنیانی برای شهیدت هدیه می‌فرستد.

برادر اثرا بخدا سو گند میدهم که هو شیار باش که آن شهید انقلاب گر ۲۴ - حوت، برای چه در کنار کاربار و سائز گوش و کنار میهن به خون سرخ خود تسر شده و آن خواهر مظلوم با طفکان بو، گناه، چرار رتقی آبار و صد ها جای زیگربار برجه استعمار مثله شد و با خون شریانهای قلب خویش دست و پا حتابند اند کردند. (ادامه دارد)

قسمت چهارم

## ـ عقیده ـ بوجود خداوند

( و هو الٰذى مَدَ الارضَ وَ جَعَلَ لِهَا رِوَايَةً وَ اهْبَاراً وَ مِنْ كُلِّ الظُّرُفَاتِ جَعَلَ  
لِهَا رَوْجِينَ اَشْتَهِيَ بِهَا سَلِيلَ النَّهَارَ اَنْ لِنِي ذَالِكَلَامَاتِ اللَّوْمَ بِتَكْرِيرِهِنَّ  
وَ لِنِي الْأَرْضَ قَطْعَهْ مَتَّهَا وَرَادَهَا وَ جَنَّاتَ مِنْ اهْبَارِهَا وَ زَرْعَهَا وَ تَغْيِيرَهَا وَ اَنْ  
سَلَّى بَهَا وَاحِدَهَا وَ تَنَاهَلَ بِعِصْبَاهَا عَلَى بَعْضِ لِنِي الْأَكْلِ اَنْ لِنِي ذَالِكَلَامَاتِ  
لَوْمَ بِعَلَلَتْهُنَّ ) سورة رعد .

( خداوند (ج) زمین را گسترد، و پهناور قرار داد و در آن کوههای محکم  
که در شکم شان معدنهای نکون با فته و در زیر شان چشمه‌ها و قنوات بجریان  
افتاده و نهرها بوجود آورد و از هر شعرو و میوه دو خنث آفرید، زمستانی و تابستانی  
شیرین و ترش، خشک و تر، شب را بروز می بود، تا هوا پس از روشدن تاریک شد  
و شما از کارهای که در طول روز انجام داده و احسان خستگی مینهاید، بیاسائید  
حقیقاً درین ها دلایل است، برای گروهی که تفکر ننمایند و معتبر به وجود  
مانع آنها، گردند).

و در زمین قطعه‌ها و پاره‌های است پیوسته بیکدیگر ( بعضی شایسته )  
زراحت میباشد و برعی شوره زار و قد ری ریگ آمیز و قطعه سنگستان و بوسنانهای  
است از انگورهای بسیار و کشتیها، و از درختان خرماء، که بعضی دارای  
چند شاخه از یک اصل رسته و برعی مفارق الاصل ( یعنی هر یک شاخ از یک بینخ رسته )  
و این همه تمام با اختلاف نعو و رشد از یک آب آبیاری میگردد، و ما طعم و رائحة  
ولوئ آنها را یکی بسند بگری فضیلت دادیم، اینها هم دلالت روشن  
بر و جنود چالق مقید ری است بسایر گروهی که تعقل ننمایند.

( و هو الٰذى اَسْرَلَ مِنَ السَّمَاءِ سَمَاءً لَا خَسْرَ جَنَّا بِهِ نَسْلَكَلَ مُهِبِّي  
لَا خَسْرَ جَنَّا مَهِ خَمْرَأَ لَهُرَجَ مَهِ حَبَّا مَتَّا كَبَا وَ مِنَ الْخَلَلِ مِنْ طَلْعَهَا لَلَّوْنَانَ  
دَائِيَهُ وَ جَنَّاتَ مِنْ اهْبَارِهَا وَ الْمَرْسَاتِهِنَّ وَ الْمَرْسَانَ  
مَشْتَهِهَا وَغَيْرَ مَشْتَهِهِ اَنْظَرُوا السَّمَاءَ إِلَى اَنْسَرِ وَ يَنْمِيَهُ اَنْ لِنِي ذَالِكَمِ  
لَا يَا شَالَوْمَ بِوَسْلَوْنَ ) سورة انعام .

( او است خداوند (ج) که از آسمان بیاران فرود آورد، تا بدآن هرگونه نبات  
و رزو شیدنی را برو بانیم، سبزه‌ها را از زمین بیرون آزیم و در آن سبزه‌ها، دانه‌های که  
بر روی هم آنبا شته و پیچیده شده‌اند، په بدار سا زیم و از شکونه‌های درخت  
خل خوشه‌های بیهم پیوسته خرماباگستان‌های انگوروزیتون و اسارت، که بعضی شبیه بهم

و برخی نا مشا بهند بیافرینیم، هنگامیکه میوه های این درختان پدید می آید و به شعر میرسد با چشم تعقل به آنها بنگرید که در آن ها آیات و نشانهای از پروردگار عالم میباشد برای اهل ایمان

( الْمَجِلُ الْأَرْضَ مَهَادُهُ وَالْجَبَالُ أَوْتَادُهُ وَخَلَقْنَاكُمْ إِذَا وَاجَاهُ وَجَعَلْنَا تَوْمَكْسَبَاتًا وَجَعَلْنَا الْلَّيلَ لَبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَا شَاهِ ) سوره النباء

آیا نگردانید یم زمین را فرشی ( گهواره ) و کوهها را میخ زمین نساختیم ؟ و بیا فرید یم شما را جفت ( نرماده ) و خوابهای شما را برای راحت بدنهاش شما گردانید یم و شب را پوششی ساختیم ( تا بظلمت خود همه چیز را بپوشد ) و روز را گردانید یم بجهت طلب معیشت شما .

### ( ابر (سحاب) از نظر علم روز )

در آیه های مبارکات قرآن به مسئله سحاب ( ابر ) میرسیم که ما را به خود متوجه میسازد و ثمرات و منافع را از دیدگاه قرآن شناختیم و بی مناسبت نیست که از دریچه علوم روزبه اسرار تکون یا فته عالم خلقت نظر کرده و نظریات دانشمندان را درین مورد مطالعه نمائیم .

( در بد و امر مقدار زیادی از آنها که امروز در اقیانوس ها میباشد ، بشکل طبقات ضخیم ابر در آسمان پر و بال گشوده بودند و نور آفتاب هم نمی توانست اشعه خود را مستقیماً بسطح زمین بفرستد و هیچ جانداری جز موجودات کوچک ذره بینی که بدون نور خورشید در ر طویت تاریک زندگی میتوانند وجود نداشت بلکه با مرور زمان سطح زمین رفته رفته سرد شد و باران های بی دریی به باری دن شروع کرده و از ضخامت ابرها کاست و در نتیجه خورشید توانست نور خود را به زمین بتأثیر بخورد ( پیدا نیافتات بگردد ) و در باره نباتات چنین ابراز نظر کرده و برای آنها مراحلی که طی میگنند در دوران وجود خود تعیین کرده میگردند ، گاهی بصورت جلبکها در اقیانوس ها پدیدار میگردند ، اول گیاه ، ساقه زیرزمینی دارد و بعداً ساقه هوا نیز تولید میگند که نازک و راست است ، و سرخها و پنجه گرگها ، و دم اسبها

گیا هان دوران اول را تشکیل میدهد و در دوره دو م سرخها قرلوان میگردند گیاهان گلدار ما نند بلوط، گردو، افرا و مانند آینهای پا بعرصه وجود نیگذارند و در طی دوران سوم گیاهان تنواع و شکیلی نمایند و بالآخر دران چهارم وضع کنونی برای گیاهان بوجود می آورد.

این تنواع اشمار و از هار و کیفیت بخصوص صیغه در همه عالم نباتات از مرحله اولیه تا کنون دیده میشود، هر یک دارای حکمت و سری نهفته میباشد، که مقتدر را نا به کننه آنها بطور کامل آگاه است و انسانها روی بررسی ها و تحقیقات علمی تا اندازه محدود در را بطره با فائده و مشمر بودن گیاهان و مناقع آنها از قبیل و یتامین وغیره رفع نیازمندی های خود را از وجود شان مینمایند و خداوند (ج) انسان را متوجه به طرز نموده گاهی میفرماید:

(انظروا الى شره) به تنبیجه و شمره آن نظر کنید. و زمانی دستور میدهد: گلو آمن شره) بخوازید از میوه و نتیجه با غهای که خداوند (ج) دران انتساع درختان پندید آورده است.

چون انسانها در طرز استفاده از موهب خدارانی یکسان نمیباشند و روی عقول متفاوت که دارند، بهره برداری بعضی نسبت به برخی ازین عطیه ها و نعم بزرگ االلهی به مراتب بیشتر است، لذا دستور میدهد که حق این نعمت شباتی را در روز جمع نمودن محصول اداسا زید و میفرماید: و اتو حقه یوم حصاد (ج) حقش را روزی که جمع محصول مینمایید ادا کنید.

چون آنسانها همه در رفع مشکلات و معضلات بیکدیگر احساس ضرورت میگنند لذا برای اینکه همه ازو یتا مینها استفاده کرده و در برابر بهتر موانع مقاومت نمایند بضیفه امر فرمود (و آتو حقه) بدلهید حق آنرا، و بهره برداری شما منحصر به فرد شما روا نیست:

این زمین خشک و بی گیاه تا به اثر ابر که دران باران و از آبیکه در زمین ذ خیره شده، دارای همه گونه اشمار و از هار گردانیده تا قدرت کامله آشنا برای بشر درامر زنده شدن بعد از مرگ نمایان سازد.

(فَإِنْظُرْ إِلَيْنَا زَرْ رَحْمَةَ اللَّهِ كَيْفَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا نَذَارَكَ لِمَنِ الْمُوْتَى  
وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) سورة روم، آیه ۴۷

در آثار رحمت پروردگار خود متوجه شوید که چگونه زمین را پس از خشک شدن و مرگش زنده میکند، بهمین منوال مردگان را در روز قیامت زنده میکند و بر هر چیزی توانای است، (قدیر تیکه در این سال بعد از خشک شدن و مردن اشجار و ائمارات را زنازه و سبز گرداند توانای است که انسانها را بعد از مرگ زنده نماید) آیا این حقایق و واقعیت‌های که در زیرون هر یک ازین نباتات گنجانیده شده و هر یک دارای ویتامین بخصوص یا شامل انواع ویتا مین‌ها میباشد و بعالم وجود تبارز میکنند، ساخته طبیعت کوروکر هستند؟

برگ درختان سبز از نظر هوشیار

هر ورقش در فتنه‌یست امیرفت کرده‌گاز

### (نگاه به عالم حیوانات)

برای اینکه درس تو حید ما تکرار و تعیین ما کا ملتر و عقیده ما را سخنربه می‌نماید و آفریدگار جهان بگردند، درین رساله، یادداشتی مختصرا از عالم حیوانات و دقت ریزکاریهای که در وجود این حیوانات از گوچک و بزرگ بکاررفته، از دیدگاه قرآن و علوم روز وارز گردیده، مطالعه مینماییم.

قرآن مجید این دستور قابل الرعایه، پیدایش هر جنبند و ذی روح را از آب معرفی نموده چنین میفرماید:

(وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ  
رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)  
سوره نور، آیه ۳۶

خداآند تمام جنبندگان را از آب بیا فرید، برخی بر شکم و بعضی بر دوپا و بعضی بر چهار پا راه میروند، خداوند (ج) هر چه بخواهد خلق میکند و خدا و نساج (ج) بر همه انسیاء (توانای است) (ادامه دارد)

(مولوی غلام محمد "مصنون")

# بعد از خروج قوای روس حکومت آینده افغانستان یک حکومت اسلامی مستقل و بیطرف خواهد بود

استاد «ربانی»

استاد دانشمند، زعیم انقلاب اسلامی، پیر و فسورد برخان الدین «ربانی» رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس فعلی اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان بتأثیر ۱۷ سپتامبر سال جاری بمنظور ملاقات و دیدار با فرماندهان و مجاهدین سفر پنج هفته‌ای به داخل افغانستان داشتند و از ولایات بدخشان، تخار، بیرون، کاپسا و بغلان، بازدید بعمل آوردند و بعد از عودت، طی کنفرانس مطبوعاتی در اسلام آباد سخنان ارزنده و مطالب مهم ایراد فرمودند، که متن کامل آن، غرض گیاهی تقدیم خواهد گذاشت (اباره) .

(بسم الله الرحمن الرحيم)

با شکر از حاضرین گرامی، لازم می‌بینم که در آغاز، از خدمات ارزشمند شهید اضیاء الحق، که در ازنا طیا ملت افغانستان و مجاهدین افغانستان خدمات فراهمش نا شدندی انجام داده بود، یه نیکی باد بکنم و همچنان از همیشگیان طتبرادر خود با کستان به قدر و نیکی مذکور شوم :

بتاریخ هشت سپتامبر، سفر پنج هفته‌ای به داخل کشور را شتم، که از ولایات بدخشان، کاپسا و بیرون و تخار دیدار بعمل آمد و تا فاصله «قریباً» شصت کیلومتری کابل، همراه با فرماندهان و مجاهدین مسافت نمودم . با قواندانهای ولایات، از جمله برادر احمد شاه مسعود، برادر آرین پور، برادر عبد الحی حقجو

برادر قاری رحمت الله ، برادر محمد عارف ، برادر سید نجم الدین و برادر سید احمد ”روئین“ و مولوی شاه محمد والی مجاہدین برو لا یت تخار ، که درین اوآخر فتح گردیده است و صویی محمد رسول ، آمر شوال کابل و با تعداد طنها تنen از فرماندهان ملاقات بعمل آمد .

هدف ازین سفر ، دیدار از فرماندهان و برادرهای سنگر نشین در شرایط حساس و فیصله کن کنونی بود ، تا همه فرماندهان و مجاہدین مستقیط از قضا یا او ضاع سیاسی ، آگاهی حاصل بکنند و تصمیمهای عده و مهم در ارتباط با قضایی سیاسی و نظایری و اداری بعمل آید و چنین کاری هم صورت گرفت و همچنان تا از ویرانیها و تباہی هائی که تو سطح حملات وحشیانه روسها در افغانستان صورت گرفته بود و از معلولین ، مجرمو حین و مردم مقاوم کشورما که در برابر حملات بی رحمانه روسها با پایمردی مقاومت گردید ، دیدار بعمل بیا ید .

در دوران ملاقات ، هدایات عده به مجاہدین و فرماندهان داره شد و فیصله ها بعمل آمد ، از جمله به فرماندهان ، هدایت داده شد تا در ارتباط با آزاد کردن شهرهای بزرگ ، کوشش بعمل بیا ید ، که حملات تنها متوجه مراکز نظایری دشمن بوده باشد و از جمله بالای مناطق مسکونی جدا "اجتناب بعمل آید و به این ارتباط باید گفت که حملات را کتنی که بالای مناطق مسکونی شهر کا بل صورت میگیرد ، تو سطح مجاہدین صورت نگرفته و بلکه تو سطح دشمن و مزدوران دشمن صورت می گیرد و حملات مجاہدین تنها متوجه مراکز نظامی دشمن بوده است و بس .

دوم - برای شان هدایت داده شد که اداره شهرها بعد از آزادی ، باید طوری صورت بگیرد ، که تا همه مردم از هر نقطه نظر ، احساس سلامت بکنند ، مصال و جان و حیثیت و آبروی شان در آمنیت کامل مجاہدین بوده باشد و تا مردم احساس بکنند ، که واقعاً مجاہدین فرشته های رحمتی هستند که بر مردم نازل شده اند . و همچنان هدایت داده شد : تا در میان همه گروه ها و لو با هر حجمیکه بوده باشند گرچه در اکثر مناطق ، جمیعت اسلامی تسلط کامل داشت ، اما با وجود آنهم هدایت داده شد ، با گروه های دیگر و لو حجم بسیار کوچکی هم داشته باشند ، دست اخوت و وحدت دراز بکنند و وحدت در سنگرها بصورت سرتا سری تاء مین شود .

همچنان هدایت داده شد ، بخاطر اعمار مجدد کشور آمادگی کاملی داشته باشند و شرایط را طوری آماده بسازند که تا بعد از آزادی هر منطقه ، مجاہدین برای آبادی و اعمار مجدد کشور صلاحیت کاملی داشته باشند ، خوشبختانه ، با وجود محدودیت ها مجاہدین دست بیک سلسله کارهای سازده ای ، از جمله ساختن شفاخانه ها ، احداث سرگها ، ساختن مکاتب زده اند و بخصوص هدایت داده شد که با وجود همه مشکلات به تربیه نسل جوان و اطفال کشور توجه جدی بعمل بیا ید و خوشبختانه که فعلاً مکاتسب زیادی در مناطق آزاد شده وجود دارد و از جمله تنها در فرخار و رسوج پنجهزار شاگرد تحت تربیه داریم ، در حالیکه در چهل سال دور حکومت ظاهر شاه پنجصد شاگرد تربیه نشده بود .

شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان ، در پهلوی برنامه های جهازی خود برنامه های ساختمن مجدد افغانستان در مناطق آزاد شده ، روی دست داشت و من طور بازگشت با هیئت ملل متحد هم دید از کوتاهی داشتم و تامه ای هم به برادر احمدشاه مسخوب ، رئیس شورای نظار نوشتم و امیدوارم که برنامه های ملل متحد طور یکه بصورت مختصر از هیئت ملل متحد شنیدم ، درست پیاده شود ، ممکن است بروخی از محرومیت ها و مشکلات مردم ما حل شود .

در ارتباط با عناصر فربود سیاسی و نظامی دولت ، هدایت داده شد که همه کسانیکه آماده هستند به صوف مجاهدین بپیوندند ، شامل عفو عام مجاهدین میشوند ، چراکه مجاهدین سلاح را تنها با خاطر بیرون راندند قوای تجاوز گر روسی بدش برد اشته اند و علیه مردم خود سلاح بگرفته اند و به این اساس هر کسی که فعلاً بصفوف مجاهدین داخل میشوند و از گذشته های خود توبه میکنند ، مورد عفو عام مجاهدین قرار میگیرند و تعداد زیادی از این افراد هم شاید درین ارتباط توبه کنند و به مجاهدین بپیوندند .

وضع دولت از لحاظ نظامی فوق العاده از هم پاشیده بود ، طور یکه شما میدانید ، ما نا نزدیکی شصت کیلومتری شهر کابل رفتیم ، اما دولت هیچکاری از دستش برآمد نمیتوانست ، جز یک سلسله بعضی حملات هوایی پراکنده ایک هیچکاری هم از آن ساخته نبود . مجاهدین در وضع فوق العاده هجومن استراتیژیک قرار دارند . در ارتباط به اوپرای پریشان دولت ، یک چیز را باید تذکر بد هم ، گرچه شاید خنده آور هم بوده باشد که ، فعلاً "افسران و عساکر روس" ، عناصر پرچمی و نوخلقی را به قیمت های پنج هزار تا دوازده هزار ، یعنی به قیمت پنج پرچمی ، معادل قیمت یک خبر در افغانستان به فروش می رسانند .

البته مطلب دیگر یکه بسیار مهم و با ارزش است ، این است که فعلاً در بعضی مناطق در شمال افغانستان ، مخصوصاً "در بد خشان کمبود مواد غذائی موجود است و تقریباً" مردم با قحطی رو برو هستند ، اما مجاهدین از چندی به اینطرف فیصله کرده اند که در مناطق تحت سلطنت افیون (خشخاش) بكلی صورت نگیرد ، در حالیکه در دوران ظاهر شاه و در دوران تجاوز روس ها ، افیون همه جا گشت می شد .

حال به مطلب دیگری اشاره می کنیم : در ارتباط به آینده افغانستان و چیکو مت آینده مجاهدین در افغانستان ، یک سلسله تبلیغات گاه گاهی شنیده میشود که بعد از خروج روس ها از افغانستان ، بین مجاهدین جنگ ها و برخورد های خونینی صورت می گیرد ، در حالیکه فعلاً "بیش از هشتاد شهر در افغانستان آزاد شده ، اما هیچ حادثه تاسف آوری بیان نیامده و در اکثر مناطق ، طور یکه اشاره کردم ، در مناطقی که من دیدم ، مناطق تحت اداره و کنترول شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان اداره آنقدر عالی و نمونه ای بود که شاید در گذشته ها مثال آنرا نداشتیم و بایس اساس مایقین باریم که با خروج قوای روسی ، مجاهدینی که در دوران جنگ توانستند چنگ را اداره کنند ، در حالت صلح میتوانند با صلاحیت کامل کشور شان را

اداره کنند . بعد از خروج قوای روس ، حکومت آینده ، افغانستان یک حکومت اسلامی مستقل و بیطرف خواهد بود . و ما اجازه نمیدهیم که افغانستان بعد از آزادی ، پایگاه نظامی یا مرکز فعالیتهای سیاسی ، یک قدرت علیه قدرت ها و یا کشورهای دیگری شود . حکومت اسلامی آینده افغانستان خواهان صلح و دوستی با جمله کشورهای جهان خواهد بود و در راه اعمار مجدد افغانستان ، کمک های بلا قید و شرطی از طرف هر کشوری دارد میشود ، حکومت مجاهدین آنرا قبول خواهد کرد . اما بداخله هیچ کشوری در امور داخلی خود اجازه نخواهیم داد .

روابط خود را با همه همسایه ها و کشورهای منطقه و حتی با روس ها که به کشور ماتجاوز کرند و با هندوستان که سیاستش در طوا جهاد فوق العاده سیاست منفی و غلط بوده ، باوجود آن ، ما خواهان علاقه و روابط نیک هستیم که با کشورها و از جمله با روس ها ، در صورتیکه در امور داخلی ما مداخله نکنند و با هندوستان ، درحالیکه سیاست مثبت و سالمی را در پیش بگیرد ، روابط نیکی داشته باشیم .

چنانچه همه میدانیم ، روس ها در اثر حمله جناحیکارانه خود به افغانستان بزر گترین جنایت تاریخی را مرتكب شدند ، اما ما نمیدوار هستیم که در یگر روس ها واقعیت ها را ذر کرده باشند ، که نمیتوان بزور تازک علی الرغم اراده یک ملت یک حکومت تحمیلی را و یک رژیم تحمیلی را با لای آن ملت تحمیل کرد .

ما امید وار هستیم که در یگر روس ها ، بخاطر حمایه از یک مشت مزد و ران حقیسرو مهره های هیزه خود ، نباید دشمنی همیشگی ملت ما را کما شی کنند . ما از روس ها جدا " مطالبه می کنیم که فوراً " قوای خود را از افغانستان بیرون برانند و قبل از موعد پیش بینی شده ، باید قوای روس از افغانستان بیرون کشیده شود و هر قدر که رو سه ما در افغانستان زیادتر می مانند ، زیاد تر تلفات و خسارات متوجه شان خواهد بود ، نباید تحت هیچ پهنه ای روس ها در افغانستان در یگر قوای خود را مقطول بسا زند و مندم افغانستان در یگر اجازه نخواهند دار ، تحت هیچ نامی در امور داخلی شان مداخله صورت بگیرد . ما گرچه میدانیم ، مشکل افغانستان ، یک مشکل نظامی است که در اثر حمله روس ها پیش آمده ، اما با آنهم ما آماره هستیم که مستقیماً با روس ها ، روی قضایای مورد علاقه بنشینیم و بحث کنیم .

اگر روس ها درین بخش اصرار می کنند که بار دیگر ، مهره های خود را جا بجا بسا زند و یا کشورهای دیگر تحت اغوا و فریب روس ها قرار می گیرند ، بنام اینکه عناصری هم از جانب روس ها درین حکومت شریک شوند ، گویا یک بار دیگر شرعاً ظرا برای تجاوز مجدد روس ها در افغانستان آماده میسازند ، که این عمل یک عمل جنایت بسیار خواهد بود و ملت افغانستان که همیج شکل ، چنانچه در گذشته تسلیم مداخلات اجنیس نشد و در آینده هم مداخلات اجنیس را اجازه نخواهد داد و سرنوشت خود را تنها خود شبان تعیین می کنند و بس . در ارتباط با اعلان روس ها ، که ششصد ملیون دالر به ملل متعدد کمک می کند ، امیدوار هستیم که این هم از جمله فعالیت های اغواگرانه روس ها و فریب جهان نبوده باشد و یا خریدن راهی جهانیان نبوده باشد ، بینبر حال با مقایسه

به و پر انیهای که در اثر تجاوز روس‌ها در افغانستان صورت گرفته، این مقدار پولی که به ملل متعدد و عده کرده است، اصلاً هیچ قابل مقایسه نیست و از طرفی هم امیدوار هستیم که مثل گذشته، باز این پول و این وعده کمک به شکل ماشین آلات فا لتسو و بیکاره و بحیث و سائلیکه اصلاً از کار افتاده باشد؛ به افغانستان روان نشود بهر حال روی این موضوع فعلاً بیشتر بحث نمی‌کنیم و به آینده موکول می‌سازیم.

در ارتباط با پیشنهاد حسن شرق، باید گفت که حسن شرق یکی از مهره‌های شناخته شده و یکتن از جا سوتان کهنه کار روشیه است و این را مردم افغانستان می‌شناسند. حسن شرق حتی اراده خود را ندارد و نمیتواند از خود تمثیل گند چه جائیکه از طرف مردم افغانستان و از طرف یک حکومتی پیشنهادی بگزیری تقدیم بگند اینکه حسن شرق می‌گوید، مردم افغانستان تصمیم خود را بدیگر ند، یقیناً مردم افغانستان تصمیم خود را گرفته اند که امروز با این مزدوران کمو نست می‌جنگند لذا این پیشنهاد اصلاً قابل بحث کردن نیست و ارزش آنرا ندارد که روی آن صحبت کنیم. من بحیث رئیس و سخنگوی چندماهه اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان تصمیم دارم که برای تقویه این اتحاد از هر جهت، از لحاظ سیاسی و از لحاظ همبستگی‌ها در داخل سنگرهای این جاییکه در توان من هست سمعی جدی بعمل بیا و رم و من درین ارتباط از همه رو شنگران و از همه داشبوران کشور مان که در بیرون از مرزها بسرمی برند، از آنها دعوت بعمل می‌آبرم که از طریق اتحاد و از طریق مجاہدین برای خدمت بکشور شان از خود آمادگی نشان بدند و فعلاً دیگر نمیتوان با برنامه ریزی‌ها در تاریکی‌ها و داخل شدن از راه‌های کج و معوج در افغانستان کاری انجام داد، راهی که باید همه انتخاب کنند این است که از طریق مجاهدین فعالیت‌های آینده برای اعمار مجدد کشور شان و برای کارهای دیگری صورت بگیرد و ما امیدوار هستیم که اتحاد مجاهدین و حکومت مجاهدین، برای همه رو شنگرانی که از خارج، خواسته بوده با شند کاری در ارتباط بکشور شان انجام بدند، زمینه را مساعد خواهد کرد.

قبل ازینکه سخنان خود را خاتمه داده باشم، بصورت مختصر دو مطلب را تذکر میدم که در دورانیکه ما با فرماندهان در شمال کشور بودیم، یک سلسه برنامه‌هایی درجهت تصفیه مناطق و آزاد ساختن پایگاه‌ها او وجود دشمن روی دست بود و حتی در حالیکه ما در آنجا بودیم، البته و لسوالی جرم بکلی فتح شد و دشمن فرار کرد و روس‌ها از تپخانه هم گریختند و تازه البته خسیر یکه مواصلت کرده، بر اساس برنامه‌هاییکه پیش‌بینی شده بود، تخت فرماندی برادر سید نجم الدین در بهارک، فتح بزرگی روی دارد که شاید شما در جریان قرار داشته باشید که هفت‌صد نفر اسیر و ۲۱ تانک و در حدود یک‌هزار و هفت‌صد قبضه از سلاح‌های مختلف خنیف و ثقيل بدست مجاهدین افتاب و البته در آینده نزد یک‌روی برنامه‌ها، پیروزی‌ها، چشمگیر دیگری صورت خواهد گرفت.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# ایرانی معرفی حوزه جنوب غرب

# سُواؤاتِ مهاجرین ۱۵ خدیده

سوال : رفتن احتمالی روسها از افغانستان ، نقطه "ختم مداخله" روسها در افغانستان است؟

جواب: روشها مدت هفتاد سال است که در افغانستان کار میکنند، این پدیده تعمیت است که آنها شکست خود را در مدت سه یا چهار سال باشند! هجوم خود را بودند، همینکه روپنهای اویل به مقاومت روپه شدند فهمیدند که درین سر زمین ماننده نمیتوانند، این بود که در طول مدت هجرت خود در افغانستان، تقریباً بیش از ۲۰ هزار اطفال بین سنین ۱۲ تا ۱۸ ساله را تربیه کردند و اینها خاص بخاطر این روز است که آنها بتوانند باصطلاح نطفه یا هسته گذاری در داخل افغانستان کرده باشند.

رو سها به دو فکر اند : اول اینکه یکتعداد افراد خلق و پر جم که نزد  
سالهای قبل ، در داخل افغانستان تربیه گردیده بودند و یکتعداد افراد ملیشی  
و نی آگاهی ، که آنها را عیاش بار آوردند ، تو سط ما دیات خردیده اند و بنگر  
این هستند که بعد ازینکه رو سها بیرون بیرون شوند ، چون موجودیت و حضور  
قوای شان در کشور را باعث نهایت نفرت و انتزاع اغیق ملت ما است ، فهمیدند  
که با حضور مستقیم ، موفق شده نمیتوانند ، به این فکر هستند که شاید مدتنی  
هرج و مرج در داخل افغانستان بوسیله " این عنصر بود بینا بد و زمینه را  
برای ما ندان بگای روشن در افغانستان مساعد بسازد ، تا برای بار ثانی باز هم  
به افغانستان آمد و بیتوا نند ، یا لااقل به اصطلاح ، حکومت طرفدار خود را داشته  
باشند که بلطف خداوند (ج ) ما با جرقت گفته میتوانیم که روس از افغانستان  
در حال فرار است . این برای او یک خا طره هی خواهد بود که تا ابد به پار  
افغانستان چه ، که حتی به پار اشغال دیگر جاها هم نخواهد افتاد .

سوال: اگر امکان دارد و شما میتوانید، مسئلہ نامہ ( برگ تردد ) این مشکل بزرگ را از سر راه بردازید و خود میدانید که یک نامه به سه الی چهار هزار تومن بفروخت میرسد، همین مشکل را با طلاع مقامات جمهوری اسلامی

ایران بر سانید ، تا انشاء الله رفع گردد ؟

جواب : حتماً از برادران ما در اینجا هستند و این سوال شما را شنیدند  
امید است که بحال همچنان تر حم بکنند و خداوند (ج) روزی را نصیب کند ، که  
مهاجرین ما آبرو مندانه بطرف افغانستان بروند و از این تکلیف (نامه) خداوند  
(ج) آنها را نجات بدهد .

سوال : بعد از پیروزی مجاہدین در افغانستان ، تکلیف پرچمی ها  
خلقی ها و شعله ئی ها چه خواهد شد ؟

جواب : این یک واقعیت است که بعد از پیروزی اسلام و حاکمیت قرآن در  
افغانستان ، تکلیف خلقی ها و پرچمی ها و هرگز دیگری که جنایت کرده و  
مدتی هم در خدمت روس بوده ، اینها کلاً "گهکار بوده ، اما گاه و جرم فرق میکند  
ما یقین کامل داریم ، کسانی که درست آنها بخون برادران ما آلوه است  
مطابق شریعت مطهر اسلام ، از آنها باز پرس خواهد شد و کسانیکه به استیاه  
رفته اند ، امید است که شریعت پر عطوفت اسلام آنها را به بخشد .

سوال : لطفاً تذکر فرمائید که در صورت عملی شدن توانیقات و مذاکرات  
زنیو و عدم همکاری دولت جمهوری اسلامی پاکستان با مجاہدین مسلمان  
آیا مشکلاتی را در ارتباط با جهاد مقدس افغانستان ایجاد خواهد کرد ؟ آیا  
از احزاب که در پاکستان مستقر هستند ، با مذاکرات زنیو توانی فق دارند ؟ اگر  
دارند ، کدام احزاب خواهد بود ؟

جواب : البته حکومت اسلامی که در مدت ده سال رنج و تکلیف مجاہدین  
مطلوب افغانستان و مهاجرین را کشیده است ، ما مطمئن هستیم که درین لحظات  
اخیر پیروزی اسلام در افغانستان ، مزاحمتی را ایجاد نخواهد کرد که باعث  
کندی سنگرهای مابین خود و به ترتیبی که من با رهبر جمیعیت اسلامی افغانستان  
چند روز قبل صحبت کردم ، آنها اطمینان کامل دادند که مهاجرین جبراً بیرون  
نخواهند شد ، نام دفاتر آنها شاید تغییر بکند یعنی از دفاتر مجاہدین به دفاتر  
مهاجرین تبدیل خواهد شد و کاریکه جبراً "باعث آزردگی و رنج مهاجرین میشود  
انشاء الله این رخ نخواهد دارد .

سوال : شما مطمئن هستید که تنظیم های اسلامی افغانستان بدون اتحاد  
واقعی بتوانند از محصول جهاد و زحمت مجاہدین ، طور شاید و با یاری  
بهره برداری نمایند . آیا بیان آمدن دوره انتقالی حقی است ؟ و اگر اتحاد  
صد درصد در بین سازمان های اسلامی وطن عزیز ما بوجود بیاید  
بدون حکومت مؤقت در دوره انتقالی ممکن نخواهد بود که رئاساً  
و ابتداء حکومت اسلامی در افغانستان عزیز تاء سیس شود ؟

جواب : این یک واقعیت است که اتحاد رحمت خدا (ج) است و حکومت انتقالی  
و یا حکومت مؤقتی که هم اعلان میشود ، به عقیده من این حکومت  
طور یکه از طرز تشکیلات آن مشاهده میشود ، سر آغاز (بقیه در صفحه ۵)

# بـهـکـی بـایـد اـعـتـمـاد کـرـد ؟

( احسب الناس ان يتركوا ان يلو لواينا و هم لا يفتنون لليلعلمون الله الدين  
سـيـد لـيـوا و لـيـلـعـلـمـن الـكـاـذـبـين ) " قرآن مجید - سوره عنکبوت "

درین اواخر که سخن گفتن از اعتقاد و اطمینان هم سرعنوان بحث و فحص گرم و داغ مجالس و مخالف عام و خاص بوده و از طرفی هم اکنون که تمام سائل مهم حیاتی و موضوعات سرتوشت ساز جامعه ، ملت و مردم ما را و مهمنتر اینکه آینده انتقال اسلامی وجهی دو سهاره " ده ماله " مازا ، همین واژه ( اعتقاد ) تشکیل میدهد . مناسب نمیدم که درینجا همین عنوان را اختیار نمایم . و راستی هم ، وقتی ما به آیات و احادیث پیاپی تهریزگوار اسلام که بگاهه رهنما و مرجع اعتقاد و اطمینان عالم انسانی است ، مراجعت میکنیم ، حق بینیم که از لا بلای مطالعه اکثر بیت‌هان جز ما " موریت بشرناقص و ناتکله ریه انسان کامل و آگاه دیگر امری " شنید و شعاری " دیده و شنیده نمی‌شود و در واقع اگر امروزه ما از مرز بشرناقص بطرف انسان آگاه و کامل سیر و حرکتی نداشته باشیم ، نه اینکه بر انسانیت خوبیش ضربه زده و آخر الامر از چهار دیواره محدود بشرگاه و متجر جیز و نیمازه و سیری در اقیانوس بیکران انسان واقعی نگردد و همچنانکه ما خود نمیتوانیم با آینده " خوبیش امیدوار بوده باشیم ، بعتقد ام مهمنترین کار یکه میشود ، این است که بیکران از ما سلب اعتقاد میکنند و وقتی از ما سلب اعتقاد شد ، مانیجاست که این مسئله در از هان و افکار عمومی بوجود میآید که ( به کی باید اعتقاد کرد ) و در حقیقت امر ، همین حسی اعتمادی و ظنونیست است که اکنون پیش از هر وقت دیگر جهاد ، هجرت و انقلاب ما را تهدید و متشتت میکند ، اتحاد تهدیل با اختلاف میگردد ، بجای برادری ، برایبری و تعاون را ، کینه توزی ها و دشمنی ها بر میکند رفت و آمد ها ، بجهود بازدید ها ، حسن ظن و خوش بینی های دینی و اخلاقی ، برگذاری مصالح ، دعوی ها ، کمک ها و صدقات ، موظفه و تبلیغ و سخنرانی ، سیر و سیاحست و میادن ، همه او نفعه بالآخره جای خود را بدیگر چیزها داده و تسلمه در حساب های شخصی و افرادی شویگروه خاص معامله میگردد ، مسئله اساسی " نیشت که سید جمال الدین افغانی " آن بهر مرد کوله بدوش و بهام آور وحدت مسلمانان زمان ، خود برخاسته از آسیا که بن در هر نقطه از آفریقا و اروپا که قدم می‌نمد و محض تهیه و تدارک تبلیغ بهام پهانیر گونه خویش ، یعنی اتحاد اسلامی ملت های مسلمان ، عرب و عجم ، سیاه و سفید ایشان را بگوش جان می‌شنوند و بر سروjan قبول میکنند . و دیری نمی‌گذرد که قیام رستاخیز بزرگ طی و مردمی شروع و بزرگترین انفجار درونی در قلب ملت های مسلمان جهان بوقوع می‌پیوندد ، ولی بر عکس ، امروزه ملت و مردم ما چه مجاهد و چه مهاجر در حالمکه نیاد اسلامیت و انسانیت می‌زنیم ، در همه محافل کلمه و حکایت

سرعنوان سخنرانیها و شعارها است، در زمینه تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی، و حلت و تفاوت را لازمه، انقلاب اسلامی خوبیش قلمداد میکنیم، لما در حقیقت وقتی به خلوتگه می‌روم، کارما چیزی نیگر بوده و خودمان بزر قلب دیگری نمایان می‌شویم، اینجاست که جتنا سلیمانی از خود و پیگران نموده و باز همان حس‌بی اعتمادی و ظن و گمان رشته کار را بخای دیگری می‌برد و از آن جمله بنده که نظر طن ده سالی متواتر خیلی چیزهای در رابطه با انقلاب دیدم و شنیدم بود رضمن یک سلسله تجاری بین هم حاصل شد. بدینختانه که در طول این مدت، آشچه برایم مجھول و لا یعنی ونا مفهوم ماند، فقط مفهوم شعار همیشگی (وجود اتحاد و اتحاد) بود و بس. و از بسکه این واژه مقدس را تحلیل گران سیاسی مفسرین و مترجمن دینی ما به سلیقه‌های مختلف، ولی عجیب و غویند تو جیه و تحلیل کردند، دیگر نمی‌شود برا یعنی. یک معنی علم فهم و مورد قبول همگی تعیین و پیدا نمود، تا نشود که هر کس از اتحاد و تفاوت سو؛ استفاده نموده و وحدت و همبستگی را بنفع شخصی خود و آرمان دسته و گروهی خاص تو جیه نماید.

درینجا باید شنا مفسرین و تحلیل گران، شعله‌های (اتحاد و خواسته) و اعتماد بحیل الله) که مسلح به مسلح گرم و سرد هستند به مردم: هو قعد هید تنا در کمترین زمان ممکن از شیما به پرسند که کدام اتحاد؟ کدام وحدت؟ کدام پلزا دری؟ و کدام برابری؟ که الزاماً باید بگویند، اتحاد و وحدتیکه بزرگ رهبران جهان اسلام بعد از پیامبر (ص)، و پیاران مؤمن و مخلص او را ایه آند و همین جاست که شفشار اتحاد و اخوتیکه از حتجه، پاک و مقدس سید جمال الله یعنی محمد عبید مصلحت انسان سید قطب - با لآخره نیاز یهای - حبیب الرحمن ها - داکتر غفرنها - لا هو ربها و ایشان این هایدر بین ملت‌های مسلمان و آزاده و متعهد، طنین افگن بود، با شعار نیکه من و تو پیده هیم فرق میکند، آنها یعنی عميق احسا سنا و مشکلات و درد مردم مطلع، در متن جامعه و از بطن ملت‌ها برخاسته بودند، ولی من و تو از جامعه، ملت، مشکلات و درد مردم بیگانه ایم، و همین بیگانگی و بی اطلاعی از مردم و جامعه است که فاصله های بوجود آورده و موثر واقع نمی‌شوند. و شعار دعوت آنها: تفاوت و اتحاد ترجمیان خواسته، واقعی مردم، جامعه و ملت بود او از من و تو تو جیه گروهی نفس، اغراض شخصی خود محوری، مطلق العنانی و بالآخره هو رانی های دلخواه گروهی.

اگر قدری بتاریخ زندگی بعد مردان پا خدا و همین شخصیت‌ها جهان شمول عنایت نکنید، من بینید که نه تنها تاریخ اسلام، که تاریخ جهان بنام نام شان افتخار و رزیده، چنانچه تا امروز همه نهضت‌های فکری و علمی الخصوص انقلاب اسلامی مبارکه شاید و از آن نهضت بود، اثر خون سریخ و زحمات مخلصانه آنها بوده و مر همدون بی قید و شرط نیات پاکی و رفتان باستقبال مرگ و زندان و شهادت شان است.

اما من و تو، مرد و ریک کلمه، همه ما نه اینکه مایه افتخار و تفاخر خود مان نیستیم و از طرفی کمتر از نیم که جتن جامعه خود ما، از ما بد نیکی، بارگنند.

آیا میدوارد افرادی انقلاب و دراولین زوزهای پیروز شوند که هم اکون سپیده دم آن ظاهر گشته، نسلهای آینده و بالخاصة اولاد خود ما، خویشن را بمانسابت

د هستند؟ اما خوب بدان! شخصیت‌های که مایه افتخار جامعه و ملت‌ها بین سطح دانش، اندیشه و عمل، عقاید و اعمال، طرز تفکر و رفتارشان با مآمکه حقیقت مختصر سوانح شان را نمی‌دانند، فرق داشته و بقول یکی از دانشمندان مومن (داشتن چند جلد کتاب مطالعه‌وی، با اطاقی تنهایی، قیافه تمیز و لباسی شسته و طوطی‌وار جملاتی را حفظ داشتن) که بليل شخصیت و انقلابی بودن نبوده، بلکه بدرد جامعه ما نخورد و اقاً هیچ باری از دوش ما بر نمی‌دارد. و همین جاست که دعوت پیامبر اسلام و پاران از خود گذشت و چهره‌های درخشا نسی چون سید جمال الدین سید قطب - حسن البنا - محمد عبد - نیاز بهما و لا اکثر عمرها با دعوت من و شما حسابت‌جدا و اجابت گشند گانش مردم دیگر اند، آنها بهترین درس الهام بخش قرآن مجید را با تفسیر و ترجمه و حفظ آن در شکنجه گاه‌ها، سیاه چال‌ها و تک‌سلول‌های انفرادی با روحی نا‌آرام و اعصابی خسته و شکنی گرسنه آموختند، اما ما بسا وجود غذای کافی و اعصار آرام و رمنازل دو سه طبقه، با گاز و کولرو و شوفاز، همه آیات حفظ شده‌ما از (والضحى که معنوا لـ "سوره‌های نماز پنجه‌گانه است، شروع و به و الناس) ختم می‌شود و هکذا آنها (سید جمال - سید قطب - حبیب الرحمن‌ها و لا اکثر عمرها) همان طور یکه پیام دادند، خون هم دادند، آنها پیام شان را با خون نوشند و من و تو با قلم (تورین - گها) و بوتل‌های رنگ استاندار شده دیگران آنها از داخل زندان‌ها بر اعماق قلبها پیام دادند و من و تو از خیابان‌های عربی و طوبیل، پارکهای سرسبز، منازل چند طبقه، مرتب با تمام ضروریات آن هم از فاصله هزاران در هزار کیلو متر و اکثراً از آن طرف آقیانوس‌ها.

به بینید زندگی پیامبرانی همانند موسی و حضرت محمد (ص) را که گند؟ جوانانی با احساس، ساده لوح و پر تحرک، اما با عزم مستین و اراده را سخ آن یکی با کوله پشتی از مقداری آب و قرص نان خشک و چوبی بدست و مصم درکار چوپانی.

و این یکی علاوه بر شغل شیخیانی، بر خود از خلق عظیم و امانت‌داری، سنگی در شکم بسته و کلنگی بدست در پهلوی سلمان فارسی، علی، عکرم و دیگر مجاهدین در طرح حرخندق باهوای سرد و طاقت فرسا، گهی مشغول بیل و کلنگ در زمین سنگزار و زمانی هم دم گرفتن و نظر رت در امور پهله داری.

اما مجاهدین و سرداران صادر اسلام خسته، گرسنه و آخر الامر که کار مقطوعی شان تمام میگردد، از فرط گرسنگی، روی به خالد و علی و عکرم آورده و میگویند: آیا شمانی خواهید چیزی بخورید؟ ولی پیغمبر (ص) که گوش و هوش آن نسبت به دیگران جمع تربود، قضیه را فهمید و بلا درنگ پیراهنش را بالا زد، در حالیکه فرزندان را ستین اسلام متوجه شدند، دیدند در شکم آنحضرت صلی الله علیه وسلم دو لاخه سنگ بسته است، در نهایت شرمندگی و سرافکندگی فریاد زند، وا محمد! اگر این طرح و این کار، چهل روز هم طول بکشد، دیگر هوای غذا خوردن نداریم

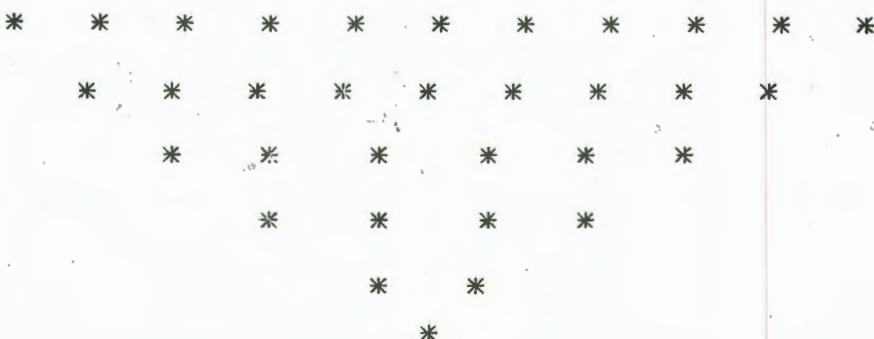
و نخواهیم نمود ، بر ما ببخش و عفو کسن .  
 پس ای بارادر - خواهر - مهاجر و مجاهد و ای انسان مسئول ! ای کسیکه مدعاوی  
 خلیفه خدا در زمینی ! ای کسیکه هیچ موجودی جز تو، تاب تحمل قرآن را  
 نداشت و نکرد و ای انسانیکه در امر تقرب بدرگاه معبود برحق ، مدعی پیشی گرفتن  
 بر طکوتی ! یقین بدان ، چنین کسانی میتوانند خلیفه خدا (ج) در روی زمین بشنند  
 که عوض یک سنگ ، دلخواه سنگ برشکم به بندند و همانند پیگران بیل و کلنسنگ  
 بر دست بگیرند ، نه اینکه شمعه ضد چاقی برشکم و فرمان ما شین را بدست .  
 و کسانی میتوانند مورد اعتماد جامعه و ملت ها باشند ، که هم چون سیدنا  
 حضرت عمر فاروق (رض) با غلام خویش سواری شتر را تقسیم و از کشیدن مهار شتر  
 پیشا پیش غلام مش احساس کمی در خود نکرده و طی مباریق نما یند .  
 راستی این هایند چهره های معتمد و مورد اعتماد مردم در تصمیم گیری های  
 مهم و حساس و سرنوشت ساز جامعه و ملت .

و در حقیقت هم ، اگر در گرسنگی ها سنگ بشکم نبندند ، اگر در مسا جد بسروی  
 بور یا نخوا بند ، اگر از تف کردن مشرک بر سر و روی شان غضبناک شوند  
 اگر در سواری شتر حق غلام خویش را مرا عات نکنند ، اگر نسبت به گم شدن  
 بزغاله در آن طرف دجله و فرات ، احساس مسئولیت نداشته باشند ؟ چگونه  
 و بچه د لیل مظہر عدل و داد و قسط شده و جهانی با و شان  
 افتخار میکند ؟

بگما نم جز صداقت در آن دیشه و عمل و زندگی بدون حس امتیاز طلبی و  
 و شخصیت فن و شی و تظاهر و در جمیع همان حس اعتماد یکه همه مردم  
 نسبت با و شان داشتند ، دیگر عامل و انگیزه وجود نداشت وغیر از یعنی  
 دیگر لیلی قطعاً وجود ندارد . والسلام

( ان ارید الا الاصلاح و ما توقيعی الا بالله )

( قاضی محمد اکبر " رائق " )



(تئیه و نگارش: دوکتور صالح محمد "باهر")

# طب و صحت مردم

بیماران شیمیائی روس ها

در افغانستان

روس های رو سیاه از آغاز تجاوز به افغانستان، علاوه بر اینکه از انسواع سلاحهای بخارب نظامی و خریب مدرن علیه مردم بیدفاع و مجاهدین کفرستیز افغانستان هنواره استفاده نکردند و مرتكب هزارها نوع جنایت و قتل عام مردم سلطان افغان شده، شهرها، قصبات، منازل، مساجد، مدارس و مراکز اربع را ویران و بخاک پیکسان ساختند، بازهم در منتهای پیر حمى به این همه جنایات و خرامی های نیزه منشانه شان اکتفا نکرد، بلکه در برابر مشت های گره کرده مردم مظلوم و مقاوم سلطان و عزم آهنین سنگداران دلیل افغان در میادین حق علیه باطل و در صحنه های سیاسی و نظامی جهان، چون خود را در شکست می بینند دست به اعمال غیر انسانی ننگین تری میزند، چنانچه بیماران شیمیائی بکاه قیسل رو سپاهی متجاوز که بر مواضع مجاهدین ایثارگرو برخی مناطق مسکونی ولاست ننگرهار نمودند، بازهم شکل دیگری از ارتکاب جنایات آنها علیه سلمانان افغانستان میباشد.

به آنهم در گذشته نیز روس های اشغالگر و توکران خود فروخته اند در موارد متعددی، سلاحهای شیمیائی را در نقاط مختلف افغانستان علیه سنگرشینان و مردم مظلوم سلطان بکار برند، که از جطه، بشهادت رساندن دسته جمعی اضافه از حد نفر مجاهد و مردم بیدفاع قربه جات سیرنان، زیارتگاه، ننگ آبار و بدلو ولاست هرات در سال های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ - توسط گازات و مواد شیمیائی و چندین بار بیمارانهای شیمیائی ولايات لوگر، اورزگان، پکتیا، نورستان بدخشان و پنجشیر طی شش سال قیسل بود که موجب ثلثات مدها نفر و سرگ عده حیوانات و پرندگان شده است، مثال های آشکار و نمونه از کاربرد اسلحه شیمیائی رو سپاه در سر زمین بخون خفتنه افغانستان میباشد.

اسلحة شیمیائی که نخستین بار در ۲۲ آوریل (۱۹۱۵) آلمانها در جنگ جهانی اول علیه بلژیکی ها بکار برند، در ابتداء هیارت از گازات خسروی کلورین و فوجیمن بود که بمرور زمان دامنه تئیه، تولید و استفاده از انسواع مواد شیمیائی مخرب ذریعه اکثر ممالک مستکبر جنگجو و توسعه طلب جهان مرسم و گسترش یافته است، بعد از امروز حکومت عراق علیه ایران و دولت شور وی بدون توجه به اتفاقه برو توکل سال (۱۹۲۵) زن و تعویب قرارداد سال (۱۹۲۴)

کنفرانس خلیع سلاح ژنو از اسلحه، شیمیائی علیه مردم مسلمان افغانستان خود را نگرفته و خلاف تعهدات صلحجو یانه، خویش تخطی صریح و عمل فیض انسانی انجام داده و میدهند.

- اسلحه، شیمیائی و ضد حیاتی که بخاطر نا بودی انسانهای بیدافع و تفویق قیوا در نظامی و توسعه جوئی ذریعه، مالک استعمالگر و مستکبرجهان از (۱۹۳) سال قبل تا حال بکار رفته و مورد استعمال قرار میگیرد، بر دو نوع است:-

- اول: مواد بیولوژیکی و مولد امراض میکرو بی مخرب.

- دوم: مواد و گازات شیمیائی کشنده و مخرب.  
اول: مواد بیولوژیکی عبارت از انواع میکروباهی مضر و خطرناکی آند بنام (اسلحة، بیولوژیکی)، که در جنگها بخاطر دو هدف زیر از هوا ذریعه طیارات در جنین مخازن مخصوص قابل انتشار، بالای دشمن و مناطق مورد نظر سرازیر روپرتاب میگردند:-

- ۱- بمنظور اثراه و انتشار امراء ضمیمه کرو بی و بروز عفونت های سایری و کشنده در بین قوای دشمن.

- ۲- بخاطر سموم ماختن محصولات زراعی و غذایی مثل گندم، بزرنج، میوه های و بیزیجات و ملوث نمودن آبهای آشامیدنی، تا بقداز مصرف مواد غذایی مذکور قوای دشمن به امراء ضمیکرو بی مبتلا شده و نا بود شوند.

- ۳- اثرات و تضعیف کشنده بالای فعالیت دشمن.

- ۴- اثرات کشنده سموم آبرو مرگبار سپاه دشمن.

انواع گازات و مواد شیمیائی که از سال (۱۹۱۵) تا حال کاربرد نظامی و جنگی دارد، زیاد است که بعضی از آنها قرار آتنی با نوع تاثیراتی که دارند، معرفی میگردند:

- ۱- مواد شیمیائی آتشزا و مجتقر: مثل ماده گازوئیل تفلیط شده که بنام بمبهای ناپالم معروف است.

- ۲- مواد شیمیائی فلچ کشنده اعصاب و مخرش دستگاه تنفس: مانند گاز معروف (خزادل) و گازهای شیمیائی (تابون، سارین و وی ایکس).

مواد مذکور در اصل بصورت مایع قابل تبخر تهیه گردیده که بعد از پاشاندن در منطقه، به آهستگی تبدیل به گاز شده، روی اعصاب، پوست بدن، چشم ها و شش های انسان اثرات شکریشی و مسموم کشنده مرگباری را وارد میکند و این اثرات آنها در آن منطقه تا چند هفته باقی می باشد.

- ۳- گازات استنشاقی مسموم کشنده و تولید کشنده ابرهای دودی: مثل گاز (وی ایکس) که بصورت آبرسانی از راه تنفس وارد بدن شده، تاثیر مرگباری بارد، بیا اینکه از انتشار این دسته گازات، ابرهای و سیعی پدید می آید که رؤیت

- ۶- پو شیدن البسه، مخصوص و یو نیفورم نظامی .
- ۷- استفاده از پوست های مخصوص برای حفاظت پوست بدن و چشم ها .
- ۸- مخفی شدن و رفتن در پناهگاه های مرتفع که در سمت مخالف جریان بساز و انتشار گازات قرار دارد .
- ۹- استفاده از وسائل تشخیصی مواد شیمیائی که در یک کیت مخصوص که بنام (کیت آشکارساز) تهاده شده است .
- روی این منظور، بدید افراد نظامی و جنگی، قبل از آموزش فنی داده شوند .

\* \* \* \* \*

### قیمهای اولیه در خونریزی ها

#### ششم : خونریزی های خارجی

این نوع خونریزی ها اکثراً از اثر بریده شدن و زیده ها و شرائین اضافی بین بیرون میکند، که سرعت و شدت جریان آن از خونریزیهای داخلی بیشتر است . اگر سرعت و شدت جریان خونریزی آهسته و کم باشد و زنگ خون تبره به نظر بررسد، علت بریدگی عرق الشعريه و ورید است، هرگاه جریان آن سریع و جهنه باشد و زنگ خون سرخ روشن بود، خونریزی آن از سبب قطع شدن شریان هامیا شد به رصورت خونریزی خارجی که ذریعه چشم مشاهده میشود، ممکن است که از اثر بریدگی ذریعه کاری، چاقو، اصا بت مری و یا حادث شکستگی استخوانهای اسکلت بدن باشد، که بخوبی میتوان محل جریان خونرا تشخیص داد و از آن به آسانی چلوگیری کرد .

چلوگیری از خونریزی خارجی به چهار صورت ذیل ممکن خواهد بود :

- ۱- بواسطه فشار مستقیم بالای زخم .
  - ۲- به اثراورده کردن نشار، در قسمت بالاتر از محل خونریزی .
  - ۳- در صورت امکان، بلند نگهداشتن عضو مجروح به تناسب مو قعیت قلب برای چند لحظه ئی .
  - ۴- بسته کردن قسمت بالائی زخم ذریعه یک تو رنیکیت (نواریهنج پارچه ئی) .
- نظر سره اینکه ذریعه وقت بریدگی بدن، انقباض عروق و شرائین بریده شده زیاد میشود و عمل لخته شدن خون ذریعه عناصر میغایانیکی تخلیه خون برای لخته شدن تنبیه و آماره میگرد .

واضح است که وارد کردن فشار مستقیم بالائی زخم، عمل لخته شدن خونرا بیشتر کم نموده، بآسانی و زودی چلو خونریزی گرفته میشود، لیکن در صورت بریدگی عصبی و وسیع، شاید وارد کردن فشار مستقیم موء شر زیاد، لذا باید که شریان یا ورید بالاتر از مسیر جریان خون را محکم و زیاد فشار داد و عضو مجروح را هم از سطح

مو قعیث قلب بلند کرد ، تا خونریزی قطع گردد ، باز هم اگر به اینصورت جریان خون ادامه داشت ، باید که ذریعه تور نیکیت پانوار پهن پارچه ئی ، قسمت بالائی زخم بسته گرد و مریض را هرچه زودتر به داکتر جراح بر سانید ، در بستن بالائی زخم ، نکته قابل دقت و تذکر اینست که هیچگاه از تار باریک ، سیم فلزی ، لوله پلاستیکی و باندهای باریک ، ضایعاتی به عروق و اعصاب محل بسته شده بوجود می آید ، که دراندک زمان باعث فلچ و از بین رفتن کامل آن عسو میشود . همچنان باید که روی تور نیکیت و باند بسته شده را نپوشانید و گره آنرا بعد از هر ۱۰ تا ۲۰ دقیقه سست گردد و باز محکم بسته نما شید تا زمانیکه خوب مطمئن شد پدید که دیگر خطری ندارد ، آنگاه زخم را محکم بسته نگهداشت و بمحض رشیدن به داکتر ، باند و محل بسته شده را بآن نشان دهید . همچنان میتوانید که روی زخم را ذریعه پارچه های پاک معقم یا گاز های استریل ، پوشیده و محکم به بندید ، اگر تور نیکیت یا نوار پهن بدسترس نبود ، درستن بالائی زخم ، از دستمال یا کمزبند پهن نیز استفاده گردد میتوانید .

همیشه سعنی شود که جای زخم ذریعه گرد و خاک ملوث نشود ، استفاده از پارچه های ملوث و کثیف ، درستن زخم مجروح ، خالی از خطر نبوده ، خوب است که در چنین موقع و همیشه شرایط صحی ، نطاافت و پاکیزگی رعایت شود .

\* \* \* \* \*

### یگی از عملی سرطان نمایش اسما

چندی قبل ، پژو فیسور بیگر جانسون سوئیدی محقق شفاخانه اندرسون و دانشمند انسستیوت تو موردر هوستون تکراس ، در سپاه زیوم بین المللی که در مورد نمک پیر استاکلرم برگزار شده بود ، اعلام داشته است که تجریبات بالای حیوانات و پررسیهای اپید میولوزیکی سرطان در انسان نشان داده که مصرف زیاد نمک سبب تولید سرطان معده ، مری و مثانه میگردد و مصرف پوتا سیم بر عکس از مبتلا شدن به سرطان معده و روده جلوگیری میکند .

همچنان مو صوف علاوه نموده که تقلیل نمک توازن با مصرف میوه جات و سبزیجات پوتا سیم دارد ، از خطر مبتلا شدن به سرطان دستگاه ها ضممه جلوگیری میکند .

\* \* \* \*

### و چیزهای صحی

- \* صحت و تدرستی از جمله نعمت گرانایه خداوند (ج است .
- \* سلامتی و تدرستی مایه توانائی و شاد کامی است .
- \* ترقی و تعالی هرجامعه ، بستگی به صحت و تدرستی افراد آن دارد .
- \* رعایت حفظ الصحة فردی واجتماعی ، موجب سلامت و تدرستی همگانست .  
(ص-م-ب)



«فایق-هروی» معنای سرگشاده  
 دو مار سرخ و سیاه و دو افعی ای جزار  
 دو دیو شرس تگر، دو قدرت ظالم  
 دو سارقی که زمردم ربود، امن و امان  
 دو دام گستری افسونگر و دواهیمین  
 دو منج تولید بیب و گاز شیمیائی  
 دو صلح خواه بـ ظاہر و لیک بـ ای ای جنگ  
 دو تنـد بـ اـدـمـخـبـ کـدـ درـینـ تـسـکـرـدـندـ  
 دو مدـعـیـ تـمـدنـ بـ زـیرـ نـامـ آـزـادـیـ  
 دو مـخـرـعـ موـشـكـ کـرـوزـ وـ اـسـ بـیـتـ  
 دو مـطـلـقـ العـانـ جـهـانـ خـواـغـ عـیـرـ سـوـلـیـ  
 دو گـرـگـ پـیـرـ دـنـدـهـ وـ لـیـ بـ ظـاـہـرـ اـ مرـ  
 دو قـطبـ مـتـضـادـ وـ مـخـالـفـ تـهـزـمـانـ آـماـ  
 دو بـومـ شـومـیـ کـهـ هـرـ جـاـ چـوـسـایـ اـ فـگـنـهـ  
 پـزـمـینـ مـلـتـ اـقـانـ هـیـرـ وـیـمـاـهـتـ



اگر تو حل معاکنی که مقصد کیست  
 یقین که مرد خدای دوستی، بیدار  
 ز بعد حل معا با پا این دو قدرت گو  
 که د ایها الفراعنه، یا ایها الاشنان  
 بس است هرم و جنایات و جنگ و خوزنی  
 بس است تفرقه ندازی و اذیت و آزار  
 بس است سلب نعمت آزادی از بنی آدم  
 بس است کب لعنت و غیرین هفتمانیخ  
 بس است زلزله بر سر دگر زلزله قهار  
 اگر دخالت این دونبودی در عالم  
 جهان چو باغ جهان میشدی گلو گلنزار  
 ارش کار

بود شاهی کرد آهنگ شکار آمدش در باغ بوستان گذار  
 دید پیر ناتوان خسته ای کوشا نیدی نهال پسته ای  
 گفت ای مرد حریص و بواهوس کارخواهی کرد تا داری نفس  
 تابکی زحمت کشی ای بی خبر کی توانی خورد زین بوستان ثمر  
 پای تو پوید همی در راه گور تایکی دانکشی مانند مور  
 در جوابش گفت پیر با هنر نکته ای شیرین تراز شهد و شکر



ما بخوردیم از نهال دیگران      بس نهال ماست نهال دیگران

شاه شدم سرور و دادش صدرم      گشت شادان گفت پیر محترم

داد تخلی سعی من آنون شمر      از سرالطف شاه دادگستر

شاه خوش ترگشت از گفتار او      صدرم افزود بر مقصدار او

چون سخن آمد به پایان ای فرید      باید از قصه به مقصد پی ببرید

کار باشد جو بر کان وجود      کار آمد منبع احسان وجود

از هنر گلشن گرفته رنگ و بو      بی هستز جای ندارد آبر و

تاشوی محوب اهل روزگار      با صداقت باید ت پیوسته کار

مصطفی عجوب خاص ذو الجلال      کار کردی از پی قوت حلال

گرچه بر دش مدد گو هرشدی      کار کردی از عرق تا ترشدی

از برای ارزش کار و هستز      بوسه میدادی بدست کار گر

موسی عمران بهنگام شباب      گشت از کار شبانی به سریاب

همین داود از آهنگری      رفت اند منند پیغمبری

نوح بود نجار و آدم بزرگ      کار مارا هست میسراث پدر

عاجز ارجوانی رضایی کرد کار

کار میکن تا توانی کار کار      «فقیر احمد عاجز»

# جواب

# ندای خواهان مسلمان

## .. منتشر شد ..

نخستین شماره، جریده "نجوا هر ان سلمان" (نجوا هر ان سلمان) که مورد مطالعه قرار گرفته با استقبال گرم خوا نندگان رو برو شده است. الحق هر مدرسه‌ئی که در سر زمین بخون غنوده<sup>۳</sup> ما یاد ر عالم هجرت برای



تر بیه او لاد مسلمان افغان  
تنه سپس میگرد و هر نشریه شی  
که بر صالح و منافع انقلاب  
اسلامی در داخل و خارج  
کشور ما نشرو پختن میشود  
در حقیقت سنگری است که  
علیه دشمنان اسلام، پایه -  
کزاری میشود.

سچنر

(ندای خواهان سلمان) که بمنظور آگاهی بیشتر مردم به مقام والای مردان مومن و زنان مومنه از نگاه اسلام و همچنین تربیه استعداد و شخصیت زن و غیره اهداف شروع و معمول به طبع رسیده، اقدام موثر و مفهودی در راه آشنائی بیشتر به ماهیت و موقعیت حقیقتی این موجود ارز شفعت انسانی است.

اگر به صفحات تاریخ  
قبل از اسلام نظری بیندازیم

می بینیم که در دوران جاھلیت ، یکی از اعمال غیر انسانی جوامع آنوقت ، این بود که حقوق و حیثیت زنان را نادیده گرفته و هیچگونه حقی برای شان قائل نبودند ، ولی با طلوع آفتاب جهانتاب اسلام ، جای ظلمت را بتورو جای جهله را عالم گرفته و قرآن مجید با ارشادات حیات بخش خود پیروان خویش را به این حقیقت توجه دارد که زن از نگاه اسلام دارای مقام وال او از جمتدی است و چنین تذکر دادکه ( با پیدایش حضرت آدم علیه السلام ، حضرت حوا به وجود آمد و در بهشت بین انسان و همراه او بود و در خوردن گندم ، همزمان قدم کردند و آیه مبارکه ) فاهر جهسا معاً گایا نیه ) در شان هر دو نازل گردید .

آری : زن از نخست بود رکن خانه هستی

گه دید خانه بسی های و سست و بی بنیان

همان بود که الهیام گرفتن از رسایر رهائی بخش مکتب انسان ساز اسلام ، زن به حقوق حقه خود رسیده و موقعيت خویش را باز یافت ، ولی با گذشت زمان و ناگاهی جامعه از تعالیم قرآن کریم بطور لازم در چند قرن اخیر و دخالت های مفرضانه دشمنان اسلام بمنظور عقب نگهداشتن جوامع اسلامی ، این رکن خانه هستی ، یا بصورت یک موجود معرفی معرفی و یا برای یک پند و باری ها و بوالهوسی ها و انعدام گردید که با آغاز انقلاب اسلامی و خوبی افغانستان ، این پرده پندار یکطرف شده و ثابت گردید که زنان شیر دل افغان در سنگ انقلاب ، چه در جبهه مقدم و چه در پشت جبهه ، در جهاد مقدس علیه مت加وزین و اشغالگران میهند عزیز خود سهم فعال و بارزی گرفته و هزاران شهید گلگون کفن از خواهان مسلمان افغان ، فدائی انقلاب اسلامی شده است که تاریخ انقلاب این فدایکاری های مادران داغدیده و زنان شیر دل بخون غنوه را فراموش نمیکنند و نیز ثابت شد که این قشر ارزشمند جامعه با استفاده از حقوق مشروع خویش ، از عهده فعالیت های سیاسی و اجتماعی ئی که شریعت غرایی محمدی (ص) برایش معین نموده ، بیرون شده میتواند .

ما ، در حالیکه نشر جریده ( ندای خواهان مسلمان ) را به فال نیک گرفته و او را گام بود و مفیدی در راه خشنی سازی تو طهه های دشمنان اسلام میدانیم توفیق مزید دست اندکاران نشریه مذکور را برداش نشر جریده ئی که با نام خدا (ج) و آیه مبارکه ( و العو من و المؤمنات ) آغاز گردیده ، از بارگاه ایزد توانا مسئلت مینما ئیم .

والسلام . ( اداره )

ستم و شکارش : ذبیح اللہ " ضیائی "

# • اصلت انسان و واقعیت •

## ★ آزادی \*

که روح بخش جهانست نام آزادی  
که داشت از دل و جان احترام آزادی  
برای دسته پا بسته نام آزادی  
( فرخی )

قسم به هزت و قدر و مقام آزادی  
به بین اهل جهان معترم بود آنکن  
هزار بار بود به زصبع استبداد

شناختن و شناساندن همه جانبه انسان کاری بین دشوار است ، حتی گروهی از انسان‌شنیدان تحت عنوان ( انسان موجود نا شناخته ) بارها به بحث برداخته اند لیکن به مصادق : آب در بارا اگر نتوان گشید . . . هم بقدر تشنیگی باید چشید . . . زیرا تربیت و تعلیم و برو گرامهای تربیتی بخاطر انسان است و تابندانیم انسان چیست ؟ چگونه موجود است ؟ چه نیازها نی دارد ؟ دارای چه اهدافی است و غیره قادر نخواهم بود برو گرام کامل و صحیح جهت رشد و تکامل او پیشکش ننمایم . . . نخست مناسب به نظر برسد تا نگاهی به تعاریف برجی از فلاسفه و دانشمندان و شناخت آنان از انسان داشته باشم . . .

یکی از فلاسفه غرب انسان را بر اساس سه بایه تعریف می‌کند . . .  
۱- مرحله " حیوانیت ". ۲- مرحله " انسانیت ". ۳- مرحله " ملکوتی بسیوردن ".  
وی معتقد است در مرحله " اول نا " ثبات حسن و زندگی انفعالی است و همانند زندگی کوکان حالت تخیلی دارد . مرحله " دوم دروان " تعلق و تفکر و اراده و اختیارات است و در مرحله " سوم " انسان از حالت خود بینی می‌گذرد و جو بسای حق و واقعیت‌ها می‌شود . به نظر او تفسیر انسان باین حالت تزکیبی سه مرحله ایست که در هر مرحله ، حالتی و آثاری دارد .

فرمود روانشناس اطریشی " انسان را بر بایه " شهوت جنسی و اصلت آنرا در ارضاء آن تعبیلات تعریف می‌کند ، یعنی انسان را خلاصه در تعبیلات نفسانی و خواسته‌های شهوتی نموده است و او را مظہر حیوانیت و تاریک و عذاب و شهوت میداند . ( توماس‌ها بسز ) از فلاسفه غرب در باره شناخت انسان می‌گوید : ما نیز ما نند جا نوران گرفتار نفسانیات هستیم که بر ما سلطانند و اختیاری از خود نداریم . از نظر وی تعریف انسان ، مساویست با بین اختیاری و گرفتار خواسته‌های نفسی بودن .

" الکسیس کارل " معتقد است : انسان موجود بست ناشناخته ، یعنی آنقدر پیچیده که تا بحال شناختنش برای ما میسر نشده .

یکی دیگر از فلاسفه بنام "اریک فروم" درباره انسان میگوید: -  
انسان از لحاظ جسمی و اعمال، فیزیولوژیک، جزو حیوانات است ... ولی خود آگاهی، خرد و تفکر "هماهنگی" را که از خصوصیات هستی حیوان است، بر هم میزند. سه کیفیت مذکور، انسان را بصورت مو جود خارق العاده، کائنات در آ و زده است. او جزئی از طبیعت است، تسلیم قوانین فزیکی خودش میباشد و قادر به تغییر آنها نیست، ولی در سایر موارد از طبیعت پیشی گرفته ... اما در اینجا باید بگوییم که هنوز هم را نشمندان و فلا سقه او متفرگان از تعریف دقیق انسان در نیامده اند و حتی بجای آنکه نخست بدنبال شناخت و درک صحیح انسان باشند، درین آنند تا بگویند، انسان از چه راه خوشبخت می شود و چگونه باید نیازهای مادی خود را بر طرف سازد. همانند "فرانسیس بیکن" که! علام کرد:

انسان را مقدر بسازید و برخورد ار. وی میگوید: من کار ندارم با ینکه معنی هستی کدام است، انسان یعنی چه؟ و کیست؟ چگونه و چه کسی باید باشد و میتواند بشود؟ بلکه باین کاردارم که انسان، هر چه بیشتر بتواند نیازهای هرا که در خود حس میکند، بر خورد ارتزو سیرا بترکند، لذا برای شناخت صحیح انسان، میتوانیم به قرآن و فرهنگ اسلامی روی آوریم و ازین منابع درخشنان استفاده کنیم.

یکی از تعریف‌های پسندیده، اسلامی بیرون مورزد انسان این است که بگوئیم انسان پویا است و ماهیت و مزیت هم ندارد، در این پویندگی، ارگرسوی کمال رود، تا بی نهایت پیش میرود، زیرا با توجه به اینکه حرکت انسان الی الله است والله کمال مطلق، هرگز تپیش نمیشود پویندگی او را محدود نمیکند. در این راه پیشرفت و تکامل انسان تا پجا ئی میرسد که به مصدق سخن پیا میزعاً لبیقد ر اسلام (تخللوا بالخلق لله) دارای اخلاق خذاتی میشود و اگر بجای تکامل درجه بیت سقوط و انحطاط گام بردارد تا بدانجا میروند که به تغییر قرآن (اسفل سافلین) میگردند. اما چیزی که واضح است این است، که انسان هرگز نمیتواند به کمال مطلق و اخلاق مطلق خدا ای برسد. بنابراین گفته شدی بود:

و سد آدمی بجایی که به جز خدا آن به بیله

بـه نگـرـگـه چـهـ جـهـ استـ مـکـانـ آـنـ مـیـتـ

مسائله دیگر آنست که در این پویندگی تباشد. حرکت انسان بصورت افقی باشد یعنی هر کس دو روزش مساوی باشد، ضرر و زیان کرده است، پس باید بصورت عمودی حرکت کند و در این بین به کمال مطلق تخواهد رسید. در علم انسان‌شناسی اسلامی انسان موجودیت دو بعدی، یعنی روحی و جسمی، که ایندو عامل از هر جهت با یکدیگر مرتبط و مربوط طنده، انسان ازین نظر، موجودی تیست که همانند دیگر حیوانات، تنها مدتی در این دنیا زندگی کند و سپس عمرش با فرانسیس سیدن مسرگ بسراید. در قرآن انسان دارای مقام و منزلتی بس عظیم است و برای او برتری و کرامتی مقرر شده، البته این امتیازات زمانی بدست میآید که انسان خودش را شناخته و از صفت علم و عقل برخورد ار باشد، لاؤن اگر در قالب حیوانیت درآید، بطور قطع، انسانیت

خود را از دست خواهد دار، لذا در قرآن ارزش انسان، بخاطر ثروت، شهرت قدرت وغیره نیست و بدرستی میتوان گفت، در این مکتب، نه پول عامل جلست احترام است، نه قدرت. در اسلام ساخته خا نوادگی، موقعیت اجتماعی، جنسن تزار و ملیت، تا شیری در بالابردن، یا پائین آوردن مقام افراد ندارد، آنچه در اسلام از ابتداء ملاک بر تری انسا نهاد تلقی شد، فضیلت و تقواید، باید زانست که این ملاک از چه طریقه های بدست میآید: همانگی علم و عمل، روش عقلاتی، روش نمتاز روش روزه، سبک ذکات، حج، جهاد، امر بمعرفه و نهی از منکر، موعظه، و نصیحت سبک تربیتی ضرب المثل، ترغیب و تهدید، روش بیان سرگذشت پیشینیان و عبرتیان تاریخی، تربیت از طریق بخشش اشتباهات. که همه عوامل فوق الذکر، مربوط به سه بعد، یعنی جسم، عقل و قلب است، که اینها لازم و ملزم میگردند و میباشد که هر مسلمان متقد، برای نگهداری شخصیت انسانی خود، از اینها بطور اعظمی به جهت مثبت آن میخواهد کار بگیرد، تا همان فضیلت و تقوای را در خود نگهدارد و ایتها را باشد، رسیدن به سر منزل مقصود غیر ممکن است. اطوريکه یکی از فلاسفه میگوید به (آزادی نبودن ما ناجاست و مظور من از ما ناجا) عامل هارجی است که از جنبش جلوگیری میکند.)

مونسیکو، حکومت مردمی را بعنوان یک شکل حکومت مورد بحث قرار میدارد و آنرا اینطور تعریف میکند: (هنگامیکه در یک مملکت، ملت زمام امور را با سلطنت میگیرد، این طرز حکومت مردمی است .)

زان پل ساز تر، فیلسوف معاصر فرانسوی، حکومت مردمی را چنین توضیح میدارد: (ولی من پیش از ینکه بخاطر دولت مردمی بمیرم، میخواهم مطمئن گردم که در همین حکومت زندگی میکنم .)

برای غده ای از داشمندان و نویسندهایان یک شکل حکومت مردمی، را مترادف با حقوق و آزادیهای فردی میدانند، یا آنرا بعنوان یک شکل حکومت تعریف میکنند، فرد مقدم بر جامعه است و تشکیل جامعه دار اشر موافقت افراد و قراردادی میباشد، که میان آنها منعقد شده است، حکومت نیز نتیجه همین قرارداد میباشد و وظیفه آن، حفظ حقوق و آزادیهای فردی اعضاء جامعه است. در نظر ایندسته، جامعه و مصلحت آن و زفاف عمومی ذر رجه، داد و اهمیت قرار دارد. برای مصلحان و متفکران آمریکائی حکومت مردمی در ابتداء به معنی یک شکل حکومت بود، چنانچه (لنکن) حکومت مردمی را به معنی حکومت به دست مردم و برای مردم تعریف میکرد. ولی در نیمه دو مقرن نوزدهم و بتدای قرن بیستم، از متفکران با توجه به ترقیات مهمی که فرزنشته های مردم شنا اسی، جامعه شناختی، روانشناسی و بیولوژی حاصل شده بود، برآن شدند که حکومت مردمی را نه بعنوان یک شکل حکومت، بلکه (بعنوان یک راه زندگی یا انسانی ترین راه زندگی) قلمداد کنند .)

از آن جمله (جان دیوی) است، وی حکومت مردمی را بعنوان یک هدف

واید آل بشری فرض میکند و جنبه سیاسی و حکومت مردم بر مردم نا میدهند، وسیله ایست برای نیل به حکومت مردمی میدانند. وی میگوید، حکومت مردمی، راه زندگی است و زندگی را اعم از زندگی اجتماعی و فردی، میداند و معتقد است، درین راه، رفاه عمومی و رشد شخصیت افراد، هردو بحد کامل تأمین میشوند. پس میتوان گفت، حکومت مردمی وقتی رشد میکند، که روش مشاوره و توافق در اداره جامعه بین افراد، بجای طرز حکومت که در آن عده محدودی زمام امور را در دست گرفته اند، اعمال گردد.

طرز حکومت عده ای محدود در جامعه، مانند حکومت های دست نشانده و تصنیعی و بدون هدف و رضایت مردم در افغانستان؛ نه تنها موجب رنج و آوارگی مردم میشود بلکه اجتماع را از استفاده نیروهای خلاق و استعداد های افراد محروم میسازد. اساس حکومت مردمی، ایمان به قوا و استعدادها، ایمان به عقل و ایمان به قدرت همکاری و تشریک مساعی میان افراد است. (همچنین یکی از عناصر حکومت مردمی (تساوی افراد) میباشد، همه در برابر قوانین مساوی هستند و حق اظهار نظر در باره مؤسسات اجتماعی را دارند).

منظور عده از تساوی افراد نست که هر شخص بفرای خور استعداد و توانائی خود فرصت کافی جهت رشد و ترقی داشته باشد و به آزادی های مهم و اساسی جامعه احترام گذارد و از بروز بی نظمیها و هرج و مرجمها جلوگیری نماید.

مفهوم آزادی آنگونه که در فلسفه های سیاسی مطرح است، دارای دو جنبه میباشد: ۱- جنبه سیاسی: و آن یعنی آزادی از فشار حکومتهای خودسر، که به میل و هوس خود، برجان و مال مردم فرمانروائی میکنند، به این معنی، آزادی اینست که قانونی بر بشر حاکم گردد، که مطابق منافع و مصالح عموم و ضعف شده باشد، نه بسو مبنای تمايلات و هوسمایی شخصی.

آزادی تمايلات و خواسته ها: اما جهت دیگر آزادی که، آزادی سیاسی را هم برای آن میخواهند، آزادی تمايلات و خواستها و اراده منفع ما دی است، که آنچه این آزادی را محدود میکند، آزادی منافع و تمايلات دیگران میباشد.

اما در اسلام، از آنچاکه بانسان باید باید خاصی نگریسته میشود، آزادی مرتبه و مفهوم دیگری دارد، اسلام همواره روی آزادی انسان در موارد مختلف تکیه میکند، بانسان در مکتب اسلام، آزاد آفریده شده و زور و اجباری برای او وجود ندارد، ولی آن نوع آزادی که اسلام خواستار و مروج آنست، آزادی فکر و روح بشر از قید اوهام و خرافات میباشد که از دیدگاه ما، اگراین آزادی که آزادی حقیقی و معنوی است، در مردم بوجود نماید آزادی های سیاسی و اجتماعی حاصل نمیشود، با چنین نظری، هر آندازه اخلاق و معنویت در یک ملت عالی تر باشد، از آزادی بهره مند تراست، لذا اسلام با آزادیهای فکری، علمی سیاسی، دینی، مالکیت و غیره (بشرط رعایت حقوق دیگران و نرساندن زیان به جامعه) احترام میگذارد و آنها را قبول دارد. حکومت مردمی نیز به عنوان عاقلانه ترین و انسانی ترین راه زندگی، مورد تائید اسلام است. بقیه در صفحه (۴۹)

## قسمت اول:

(سید احمد شاه "مودودی")

## ۰۰ عرفان

\*\*\*\*\*

از نخستین آوانی که بشر از شبستان عدم، یا به عرصه عالم وجود نهاده در طبیعت و نهاد دش ذوق پرستش و طلب و جذبه تلاش و کوشش در رسیدن و شناخت پروردگار تعیینه گردیده است.

تا آن جا که تاریخ بشری پرتو افشاری دارد، تا آنجا که جای یا از انسان هست، همیشه و به طور واضح شاهد یک سلسله ارتباطات و جاذبه های معنوی و روحی می باشیم که ناشی از غریزه و عامل طلب حقیقت و جستجوگری در راه رسیدن به هدف غالب و کمال مطلق بوده است.

"غریزه" حقیقت جو بن در همه انسانها هست که گاهی به شکل کرنیش در برابر آفتاب (آین میترایس) و زمانی به شکل سرخ نمودن در مقابله با خلق اتفاق نمی و یا پرستش این و آن و سنگ و چوب ظهور نموده و باز شما ع مکتب پیغامبر میزان بزرگ آنها شاهراه توحید را با نور پرا بهت پروردگار، چراغان نموده و پرستشگران حق را به سیر در این جاده مستقیم دعوت نموده و در ضمن سایر سایر اخلاقی و دینی و اجتماعی روش رسیدن به خدا و واصل شدن به اوتمالی را نیز بیان و تصریح نموده است.

در همه ادیان الٰهی و آسمانی، عرفان به حیث پگانه راه رسیدن به سور مطلق به هستی بخشای بود و نمود، و حلقه بین ارتبا طی بین جلد و دادار و بین حدث و قدیم و بین طالب و مطلوب و بین سایر و هدفتش مطرح بوده.

آری، از بد و طلوع آفتاب جمال احمدی (ص) این قافله سالار انبیاء در پرسش و سپری آرای دنسی فتد لئے، عرفان موازی با پیشرفت بشر تکامل نموده و راه را برای رفتن مشتا قان سیر و سلوک، سهل و آسان و رسیدن به حق تعالی را در پیش تو تعالیم بر ارجاع آنهاش به خوبی میسر نموده، و پیگر کناره گیری های منفی و کوشش نشستن های که انسان را باردوش جامعه بسا زد (در لاره بانی فلسی الاسلام) رد گردیده، عرفان اسلامی، همه نور همه علم، همه جذب و جهاد همه ایثار همه تلاش، همه آشتی نا پذیری با اهر منان، همه جهاد است، کارنامه های زرین قدها کاری های عرفان و پیروان شان در تاریخ علم و دانش ثبت افتاده، عرفان بودند که در سال (۱۱۸ هـ) با تاثارهای وحشی جهان نموده و مقاومت و راد مردی های حیث انجیزی از خود نشان دادند.

شیخ نجم الدین کبرا خوارزمی (رح) بود که همه پیروانش را مسلح نموده و با چنگیز یان چنگید و تا آخرین لحظه زندگی اش نگذاشت پرچم تو حیدر به دست یغما گران تا تاری بیفت و در این راه با پیروان خویش، شربت شهادت نوشید.

او بود که مولانا جلال الدین محمد بلخی (صاحب مشتوفی) و شمس تبریزی (رح) و شیخ سیف الدین با خرزی (رح) و نجم الدین رازی (رح) و رضی الدین علی لا لای غزنوی (رح) و عطار نیشاپوری وغیره، همه در مکتب او تربیه یا فته بودند و در نهضت سربداران نیز میدان رکن الدین علاء الیلدواه سمنانی، نقش رهبریت داشته اند و (حرب العدالت او پیغمبر) در نهضت مسلمانان آفریقا بر علیه استعمارگران اروپایی، یادگاری دیگر از گلگون جامگان مکتب عرفان است. و بالآخره اشتراک سلوک مردان طربت درجهاد مقدس افغانستان، بر علیه پکت و رشو و سربداران اسلامی و نوادرانه خلی و رویسی شان در میهن ما زنگوی ارق اعرافا ن اصیل اسلامی است، و اگر طرفیت منانه اجازه میداد، ما ذکری مفصل از متصل فین جهادگر در سنگرهای تو حید در هر ایت تهمه را به میان می آوریم، که امیدوارم در آینده این ماء مول برآورد شود.

روشن متتصو فه بدر حمد بث به (احسان) تعییر شده، و انسان و فتن به کمال می رسد که غرایز نفسانی و شهوتی وی اصلاح شده و نفس وی، تزکیه گردد. (العید) فطیح من رکحا و تزکیه است که همه مقامات سیر و سلسله وک الى الله را به انسان آسان می سازد.

حتی علم و بدانش بدین شرکیه میتواند اسباب تفرقه و نگون بختی انسان را، مهیا سازد، چه حق تعالی، تزکیه را بر علم مقدم داشته است (یزگیه) و مسلمهم الكتاب آنها را تزکیه نموده و در مرحله بعدی به آنها دانش می آبورد و عرفان اسلامی بیشتر بر بنیاد های تو حید نظر داشته و از انسان وجودی سوایا عشق و محبت و تقو و ایثار و خلاص و یقین و شوکل و مجاهده و خدا طلبی و خدا خدمت پرستی و خدمت به خلق می سازد.

در عرفان، قشر یک و نعمه بات نثاری و ملی و منطقی نیست، در عرفان حتی همه آنا نیکه معیوب حقیقی را پرستش گزند، به دیده احترام نگریسته میشوند.

چون لذت لذت هیئت راه انسانه را لذت و عرفان به عمل نمودن طبقی نهادنی شرعی توصیه و تأکید زیاد داشته است حضرت شیخ ابوالقاسم تصویب آباری (علارف قرن سوم) می فرماید:- (لبه متابعت شنت، معرفت توان یافت، و به اذای فرا پیش قربت حق تعالی و به امواضیت بر نوافل، هدفت) و هم ارشاد می کنند، تا انسان مسلمان بیشتر انبیا صالحان و افراد شیک سیرت همنشیین شدند.

احمد بن عاصم انصاری (رح) می فرماید:- (دوای نیل، پنج چیز است: با هم نشینی اهل علاج و خواندن قرآن، و تهیی داشتن شکم و نماز شب و زاری کردن در وقت سحر) همچنین عرفاء به سخا و ندا و جند و جهاد و سعنی و تلاش ترغیب مینمایند. (بقیه در صفحه ۴۹)

نامه های پیشنهادی

## • اتحاد قرآنی •

### نتضمن فلاح و رستگاری بشر

واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا . . . ( به رسمان خداوندی چند  
بزندید و از هم جدا نگردید . )

اتحاد یک اصل اساسی و ریشه‌ئی اسلام است، در برخوبی اتحاد اسلامی همه  
تیازهای فرد و جامعه برآورده می‌شود، بینش قرآن لکریم درباره ای اتحاد مطلق است  
که با اتحاد های ساختگی غرض آسود و عناد آمیز و هرگونه همستانگی بجز روش تعیین  
کرده‌ی قرآن فرق بارزی دارد، لذا تازمانیکه در فروع دستور جاودانه قرآن اتحاد و  
مکارچگی صورت نگیرد، سرنوشت سلمانان به پیراهه کشانده شده و پیروزی را نصیب  
نمیگرداند و آیه عنوان شده، اگر به کتب سابقه‌ی آسمانی دیگر من آمد، همان روز  
را جشن می‌گرفتند و اگر درین گفته‌های دانشمندان و سیاستمداران روزه کشیده  
در جهان شرق و غرب بجز اسلام دارد عدالت خواهی سرمد هند، به نظر می‌خورد آن را  
در بارجه های زرین و دینایی منتقل کرده و به در و دیوار نصب می‌نمودند، در حقیقت  
دانشمندان اسلام و مفسران کرام، تا همین اکنون با همه تلاش های علمی و قلم فرسایه های  
فراوان و سختور پهائی می‌بایان، عجز و نارسائی خود را اعلام کردند که مفهم این  
اصل کلی از بررسی کامل شان بالا است .

در یک ظرف کوچک هرگز نمی‌شود در مای آب زلال را جایگزین کرد، ارائه نظرها  
و نویسندگیها و گفتارها در رابطه به این آیه، صحنه‌ی میارین دید آنان را  
دورنمایی شبیه کرده است و خیلی زود است که حقایق آیه را به صحنی حضوری مکشند  
با همه نارسایهای اعترافی لازم است که اندکی درباره ای مفهوم آیه مترکه، گفته ای  
درآشته با شیم و از بحرین می‌بایان آن، قطره‌ی مسنون شیم، بروزدگار جهانیان میفرماید؛  
( واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا ) اعتماد بمعنی محکم چنگ زدن واستوار  
گرفتن است . این اصل کلی برای بشر، بیداری ارش میدهد، که دستور و برنامه های  
الهی را استوار بگیرید و به حفظ آنها کوشایشید . . . چگونه؟ . . . به رسمان  
آن که همان قرآن کریم است، چنگ بزندید ( بحبل الله ) . . . رسمان که خداوند  
آن را دست آورده و دستگیره ای شما قرار داده است، با ملت کامل متصل شوید  
و از همه تابهای ساختگی و خود در آورده بپر هیزید .

در این راستا همک مانند دندانه های شانه با صفت شرده، بهلوی هم قرار بگیرید  
و بار و بار هم باشد، آن زمان است که پیروزی و رستگاری را کمایی کرده ایم  
کسی؟ . . . در عهد قرآن مجید که ناسخ همه ای ادیان است .

این کلام همه زیبا ئیها را به ارمغان آورده است، تا زندگی بشر را بیمه کند کلامی که وا بستگیهای قبیله‌ئی، نژادی، خونی و خویشاوندی را به اساس رشته‌های اسلامی دارد، در صورتیکه دو قوم و قبیله با دو عقیده باشند، باهم قبیله گفته نمی‌شوند و از یک تیره نیستند، و باز هم اگر میان پدر و فرزند اختلاف عقیده وجود داشت، پدر و پسر به حساب نمی‌آیند و ... همچنین میان شوهر و زن و ... اساس خویشاوندی و وابستگی اسلام و ایمان است.

آری، بلال و سلطان و یاسرو ... (رض) باهم از یک تیره و قبیله‌ی مرسو می‌نیستند، چگونه چنگ بزنیم؟ ... همگی به یک ریسمان متمسک شویم (جمیعاً) ... دنبال هوی و هوسمای مادری و معنوی جست و خیز نز نمی‌که باعث بد-بختی وسیه روزی جامعه‌ی بشری گردیم و از خود مطالبی را به عنوان دین و برناهه وضع نکنیم، ایست و ایسم‌های بشری مارا شیفتۀ و فریفته‌ی خود نسازند و خیره سری‌ها و لج بازیه‌ها نباید مسلمانان را از حیطه‌ی قرآن یکسو نمایند و ... آیه‌ی مبارکه را هر چه فشرده و خلاصه مورد بحث قرار دهیم، نمیتوانیم به زودی در عمق معانی بی‌شمارش بر سیم ولی این قدر اطلاع می‌یابیم که در پرتوی قرآن کریم، اتحاد اسلامی را معرفی می‌شویم و زیائیهایش را درک می‌کنیم و در آینده‌ی درخشانش آشنا می‌گردیم ... و فرد و جامعه راهیابی قرآن را میدانند.

گسانیکه اتحاد اسلامی را در لابلای سرکشی‌ها و خودسری‌ها و در ساحه‌ی زر و زور و ترفند می‌جویند و مفکره‌های نادرست را در دماغ مردم جا میدهند، تا شاخ و بُرگ گرده و اعصاب مردم را تسخیر کنند، سخت در اشتباه‌اند، در حقیقت بدینگونه ساخت و بافت نا مناسب، غیر مستقیم از پشت به اسلام خنجر میزند. این شربت تلخ را مسلمانان از گذشته‌ی تاریخ خوب بخاطر دارند، اسلامی که با قوانین حیات‌بخش مانند یک ماشین خیلی حسنه و نظیف است، میخواهند بدون پرده و پره‌های لا زمه اش مورد استفاده قرار دهند، هیهات هیهات !!! پس بر گرداندن و برگشت مسلمانان از روند اصلی، جزفا جمهوری زلت باری را به دنبال ندارد و انسانهای سرنوشت ساز منتظر بله‌ها و نا بسامان نیهای نا شماری باشند ... شاید سؤوال کنند که نظام اتحاد را چگونه بوجود آورد؟ ...

اینجاست که (شوی) سربر می‌کشد، این اصل کلی زندگی بشر به سیمای واقعی اش خود را نمایان می‌کند، همانا سرنوشت آدمی را به عهده می‌گیرند، از اینور و آنور بر می‌گرداندو به جاده‌ی مستقیم رهنماشی مینماید و سند اساسی اتحاد را امضاء می‌کنند باری: جلوی خود خواهی ها و خیره سری‌ها و نا بسامانیها و بی‌بند باریها را می‌گیرد و معیار و مقیاس سنجش را به میان می‌آورد، تا زمانیکه اتحاد از دیدگاه قرآن در همه ابعاد صورت نگیرد، هرگز این بشر با کرامات پیروزی معنوی و مادری را نصیب نمی‌گردد برای همیشه مظلومانه باید زندگی کرد و ره گم کردگی اش را بازنمی‌یابد و ترس و هراس و نفاق و شقاقد از چهره اش ژل و دوده نخواهد شد ... (( خداوند (ج) وضع هیچ قوی را تغییر نمی‌دهد، تا خودشان به نفسهای خود دگرگونی ایجاد کنند )) . ترجمه‌ایه ( سعدی "بهنبوادی" )

# حضرت بلال (رض) مودن مسجد نبوی

سیدنا، بلال حبشه (رض) از آن شخصیت های برجسته و ممثل مردان وارسته و پیوسته بخدا است که در راه اسلام، مصائب و تکا لیف شaque را تحمل نموده بموذی ترین دشمن اسلام، فرعون زمان، این جهل هم نتوانست از اراده "مصمم و قا طعن جلو گمری" نطیجه آن، اسطوره مقاومت در ابتداء برد، شخصی بنام امیه بن خلف بود که بعلت وفاداریش به اسلام، تکا لیف گونی به او من رسانید و چنان با قساوت قلسطب به او ببر خورد میگرد، که آن جنا برادر موسم گرامی شدید بوقت نیمه روزه بسر روزی ریگهای داغ بهشیست می خوابانید و بروی سینه همارکش سنگی بزرگی را میگذاشت، تا از حرکت بازماند و اخطار میگرد، یا از اسلام منصرف و بیزاری جو، یا اینکه برا این وضع بسیر، سیدنا بلال (رض) در با شخ با قاطعیت اعلام یکتا برست نموده اندادی (احد احد) خدای یکی است یکی است، سرمداد، به این هم اکتفا ننموده، شبها او را بروز نجیب سنته نموده، شلاق میزند و بایز روز ها او را بازخهای تن همارکش بروزیز من گرم انداخته، تا آزار بیشتری احساس نموده و از اسلام منصرف گردید، اما غافل از ینکه، مردان راه خدا مصائب را در سیر برحق خود بآغوش باز استقبال مینمایند، ولی آن سیمه رو بان تهمکار و جانحان ستگیار، در تعذیب و تائلیم آن زاده خود فداکار خسته شد، اهتاواها" او را اعداب می نمودند، گاهی امیه بن خلف و زمانشی این جهل و وقتی فرد دیگری، همه زور و قوت خود را در آزار و ضربیش بکار میبرند و لجنزاریت بزستن و اوهام غرق بودند و به پیشگاه بست دست راشته و ساخته خسورد سر عبور نمیتوانند و گردن بندگی خم می نمود (زمزمه) اخد احد را نموده و این کلمه را اورده زمان خود ساخته بود، از همین سبب روز بروز مراتب و حشی گری و دلنشی آنها افزوده میرفت، تا اینکه او را بدست بجهه های هرزه و ولگرد می دارند، تا به کوجه ها و بازار ها بگردانند، علی رغم همه این آزارها، آنجناب (رض) مرتضی ورد این را تکا

موده چو در راهی زیارتی زرگان  
امید و هراسش نیاورد رکس

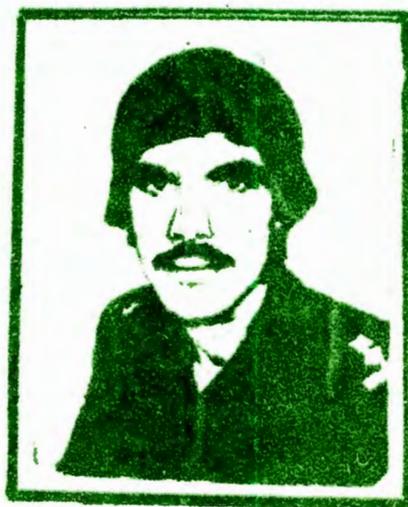
بلا خره حضرت ابو هرث صدیق (رض) او را به این وضع تاییده، خردباری نسوز و آزادش ساخت. درنتیجه استقامت و متنگ خود، مدال شرف موذن بودن در بازار رسالت را در یافت تعوده و نبی اکرم (ص) نز حضرت و سفر، مستولیت اذان را به آن سپرد. بعد از پنکه نبی اکرم (ص) دعوت پروردگار خود را لبیک گفته جهان فانسی را بقیه در صفحه (۵۰)

## شہید مری خارن سید کریم

سید گریم فرزند سید رسول، در ولسوالی سید کرم ولا پیت پکتیا در پک خانواده متولد شد. مسلمان دیده بجهان گشود و تحصیلات خود را تا صنف ۱۲ در پکتیا ادامه دارد و بعد از آن شامل اکادمی پولیس کابل گردید و تحصیلات خود را پنهان را پنهان رساند و بحیث معاون در راه موریت پولیس در ب عراق شهر هرات تعینین و توظیف گردید و سپس با ارتباطات قبلی که با امارت عصومی حوزه جنوب غرب داشت، بنا به دستور مقامات امارت عصومی حوزه جنوب غرب، مأموریت در ب عراق شهر هرات را با تعاون امکانات و مهمات نظایری از آن جطه پتعداد (۲۴) میل سلاح مختلف النوع و سی هزار فیروزه بود، به صفت لشکر یان اسلام پیشواست و مدت پیکال بصفت فرمانده، یکی از جمهوریت امارت عصومی ایفا و طبیعه خوده در تعاونی عطیات ها ذر صفت مقدم قرار داشت.

تا اینکه در پک نبرد سنگینی که بین نیروهای اسلام و متاجا وزین رو سی در منطقه شاله فان انجیل ولا پیت هرات صورت گرفت، با وارد آوردن ضربات کوبنده ای بر شمن، سرانجام از ناحیه سر مجروح و در ماه سرطان سال ۱۲۶۳ - بدرجه رفیع شهادت نایل و در منطقه صوفیان انجیل دفن گردید.

روحش شاد و پارش شگرا می باشد.



## شید غلام محبوب کاکریه

ملت مسلمان و بها خواسته افغانستان در پیش اپیش ملل جهان ، در مقابل دشمن پسر بیت ، روس تجاوزگر و جنگ افروز ، سینه سپر کرد و نامش را بر صفحه زرین تاریخ جاودا نه ترسازد و کشور قهرمان خیز و شهید پرورد ما همیشه در دامن پاک خود ، فرزندانی پرورش داده است که مرگ با عزت را به زندگی در اسارت و بندگی ترجیح دارد ، خون های پاک خود را در راه حفظ مقدسات اسلامی و ناموس و طیب ریختاند و میر بیزاند .

هرات باستان و شهید پرور هم پایی دیگر ولايات کشور ما ، کانون داغ جهاد سلحنه است ، که شر پذیر ترین و رشید ترین فرزند انش جانهای شیرین شان را فدای دین و موهن اسلامی خود آزاد نمود ، که یکی از جن شهدای پاکباخته و قهرمان ، شهید غلام محبوب (احمد سیرکاکری) است .

شهید غلام محبوب در سال (۱۳۴۲) در شهر باستانی هرات قهرمان متولد شد و تحصیلات خود را تا سال سوم پو-نحوی یولیت خنیک ادامه داد و در جریان سه سال تحصیل خوبیش ، همیشه همکار و پار مجاهدان واقعی خود ، چون برادر قهرمان ، الگوی تقاو و مهارزه ، چنگتوون محمد اسماعیل امیر عمومی حوزه جنوب غرب جمیعت اسلام افغانستان بود ، تا اینکه بالآخره بتاریخ ۵/۱۲/۶۵ - تحصیل را رها و درصف برادران مجاهد خویش به جهاد سلحنه علیه نیروهای متتجاوز روسی قرار گرفت و بتاریخ اول قومن ۶۵ - در پیک جنگ نا برابر ، در قریب جلال آباد انجیل ، در غرب هرات ، جام شهادت را نوشید و شاهد ، مقصود را به آغوش گرفت . یادش گرامی و راهش پر ره رویار .

### از سلطان شهید :

چیز یکه از اجداد ما برای مامیرات مانده است ، راه من است ، یعنی مسلمان بسود ن و خداشناسی ، تعقیب نعدون راه بزرگواران صدر اسلام ، مهارزه و جهاد علیه کفر و الحاد و بالآخره سرکوب نعدون تجاوز کریان و بیرون راندن دشمنان اسلام از میهن اسلامی .

بتوفیق خدای متعال ، من هم در بهلوی برادر را نم ، مجتبی و مسروی در شهر



خون و قیام ، هرات باستان ، در نهضت سردار با رو سهای متتجاوز و کمونست های دا خلی قرار خواهیم گرفت و از خداوند متعال (ج) پیروزی گشور عزیز خود را خواهیم .

## شہید گل احمد "خادم"

گل احمد خادم فرزند عبدالحالمق، در سال ۱۳۴۲ در منطقه خیفان امارت شیندند هرات دیده بجهان گشود و در سن هفت سا لگی شامل مکتب ابتدائی خیفان گردید و بعد از دوره ابتدائی شامل لیسه این سینا کابل شد و با روی کار آمدن رژیم کوئنائی در افغانستان تحصیلاتش نیمه تمام ماند و به صفر دلیل مردان جمهیات امارت شیندند پیوست و یکی از اعضای فسال جمهوری مرکزی این امارت بود.

گل احمد خادم بعد از مدتی بصفت سیول یکی از جمهیات امارت شیندند تعبیین و توظیف گردید و در بین سایر مجاہدین منطقه از محبوبیت خاصی برخوردار بود و در تسامح محاذات، در خط مقدم قرار داشت. تا اینکه بتاریخ ۱۵/۱۰/۷۵ در پل نبرد سنتگین با نیروهای مت加وز روسی، در منطقه قریه ده امان شیندند از ناحیه های متروکه بدست نیروهای مت加وز اسری گردید و به محبس (زندان) هرات منتقال داده شد و بعد از مدتی در محبس توسط مزدوران سرسپرد روس (خاد) بدرجہ رفع شهادت نا مل گشت. روحش شاد و راهش بر ره رو بار.

## شہید امیر محمد

امیر محمد فرزند فضل احمد بتاریخ ۱ حمل ۱۳۴۶ در قریه محل ساربانها شهرخون و قیام هرات دیده بجهان گشود و تحصیلات ابتدائی خود را در مکتب قوسنان و سینی، تا سال ۱۳۵۹ به این رسانید و بعد از مدتی بصف مجاہدین جانبرک منطقه پیوست و در تاریخ ۲۸ قوس ۶۴ در پل نبرد خونین متروکه گردید و بعد از بهبودی، دوباره به جمهوری پوکشت و در تامی حلقات و عملیات های که بر علیه متداوم صورت میگرفت در خط مقدم قرار داشت.

امیر محمد در پل نبرد موافق آمیز و برق آسا در منطقه بکر آباد شهر هرات چندین تن از متباوزین و زین و ایادی دست نشانده آنها را راهی جهنم نمود و در میان عملیات که بتاریخ ۱۰/۱/۶۲ انجام شد، بدرجہ رفع شهادت نا مل آمد.

(روحش شاد و راهش گرامی بار)



# گزارشات:

## ۱۹-البسه و مواد غذائي بمقدار قابل توجه.

درین عملیات یکنفر صاحب منصب (افسر) بنام عبد الطاهر، قومندان غند (۱۶۱) زرهی، کشته، ۱۲ تن دیگر به اسارت درآمده و رحیم الله خان دگروال، قومندان خارنشادی و کفیل ولسوالی گلران، نیز به صفوی مجاهدین اسلام پیوسته است.

برای جلوگیری از تلفات، عده زیادی از برادران مسلمان مر بوط ولسوالی گلران در مناطق مختلف مهاجر شدند.

\*\*\*\*\*

مجاهدین فرقه حضرت حمزه (رض) طی دوهفته گذشته، عملیات موفقیت آمیزی را در منطقه پشتون زرغون انجام دادند، که در نتیجه بتعارف ۲۵ تن از مددوران دولتی بقتل رسیدند. \* بتأريخ ۲۰/۸/۶۲ مجاهدین پایگاه حضرت خالد (رض) در راسک، طی عملیات موفقانهای در شاهراه هرات قند هار پکراره ماشین هشت سلندر (کامیون) را منهدم ۲۰ تن از سرنشینان آنرا هیچ جهتی گردیدند. همچنان مجاهدین قهرمان این منطقه، لوله نفت را منهدم و طعمه حریق نمودند. \* مجاهدین قهرمان جبهات شهید صوفی عبد الغفار طوفان بفرماندهی برادر مجاهد صوفی عبد الجبار طوفان، طی یک عملیات برق آساد رمبوطات ولسوالی انجیل، موفق شدند بتعارف ۱۲ تن از مددوران دولت را اسیر و ۱۲ قبضه سلاح کلاشینکوف را بعنیمت بگیرند، دولت بتلافی عملیات مجاهدین، مناطق پشتون زرغون، کرشک و اویه را مورد بمبارد مان هوائی و موشکی قرارداد. کدر نتیجه تعدادی از مسلمانان این مناطق شهید و مجروم گردیدند و خساراتی بیارآمد.

بتاریخ ۲۹/۸/۶۲ - برادر محمد خان نور زادی "مسکتن از افراد سرشناس منطقه گلران، که با سامانه لان قبلی امارت عمومی داخل دستگاه دولت مزدور رخنه نموده بود، با تصمیم قهرمانانه به اشتراک مجاهدین پا پیگاه حضرت طارق (رض) ضربه کاری بر پیکر دولت فرسوده و در حال سقوط دست نشانیده روسی در افق استان وارد نموده اند که غنا یم ذیل به تصرف مجاهدین اسلام در آمده است.

- |                   |     |     |
|-------------------|-----|-----|
| ۱-سلاح کلاشینکوف  | ۲۹۲ | میل |
| ۲-تفنگچه میکاروف  | ۴   | ردد |
| ۳-ردد تی تی       | ۱   | ردد |
| ۴-چهل تیسر        | ۲   | ردد |
| ۵-زیکو            | ۲   | ردد |
| ۶-ماشیندار گرینوف | ۲   | ردد |
| ۷-ماشیندار (P-K)  | ۵   | ردد |
| ۸-راکت (R-P-G)    | ۱   | ردد |
| ۹-دستگاه مخابره   |     |     |

- |                    |     |               |
|--------------------|-----|---------------|
| ( )                | ۴   | پایه          |
| ۱۰-ماشین بو شین    |     | گ             |
| ۱-۶۶ ( ) کوهی      |     | یکصد و شصت    |
| ۱۱-ماشین زیل روسی  |     | دوصد          |
| ۱۲-ر رگاز ر        |     | سهصد          |
| ۱۳-نانک زرهی بردیم |     | دوصد          |
| ۱۴-مرمى کلاشینکوف  | ۱۲۰ | هزار فیور     |
| ۱۵-تراکتور         |     | دوصد          |
| ۱۶-گندم            | ۲۰  | تیس           |
| ۱۷-شکر             | ۲   | تیس           |
| ۱۸-کفشه            |     | سه هزار جو ره |



شرکت داشتند.

\* قائم مقام وزیر امور خارجه ایران در دیدار با سفیرشوری اظهار داشت: «مجاهدین و مردم افغانستان، باید به حقوق حقه خود برسند».

\* ایران به رسمیت شناختن اسرائیل را مغایر با تشکیل کشور مستقل فلسطینی اعلام کرد.

\* اعلام آمادگی جمهوری اسلامی ایران جهت کمک به مردم مسلمان لبنان، آماده است، تاکلیه مایحتاج عمومی مردم لبنان را نا مین کند.

\* جمهوری آذربایجان خدral با توجه به شرایط پس از جنگ حاضر است تمام تجربیات خود، در زمینه مسکن و شهرسازی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.

\* بنی نظیر بو تور هیر حزب مردم پاکستان شب پنجشنبه ۶۷/۹/۱ از سوی کفیل رئیس جمهوری پاکستان، بعنوان نخست وزیر پاکستان معرفی شد و در اسلام آباد مراسم سوگند را برگزار آورد، در این مراسم، علاوه بر غلام اسحق خان کفیل رهاست جمهوری مقامات ارشد و کشور پاکستان، دبلومات های خارجی مقیم اسلام آباد و جمیع کشی از خبرنگاران نیز حضور داشتند.

\* استاد برهان الدین «ربانی»

رئیس اتحاد اسلامی مجاهدین

افغانستان، بتاریخ ۶۲/۸/۱۹

با پرزیدن کوئیار سر منشی

ملل متحد ملاقات نموده و سرمنشی

ملل متحد را در جریان مسایل

اساسی و حقیقی جهاد افغانستان

قرارداد.

\* نخستین دوره از اتحاد اسلامی

مجاهدین افغانستان بنا بر

۶۷/۹/۱۶ به ریاست محترم استاد

برهان الدین «ربانی» با مقامات

شوری، در شهر طائف عربستان سعودی

برگزار گردید.

\* استاد برهان الدین «ربانی»

رہبر جمیعت اسلامی افغانستان

پس از ۳۵ روزه خود از سنگرهای

افتخار آفرین شمال شرق افغانستان

با برادر مدبر و قهرمان احمد شاه

میعود رئیس شورای نظار و سایر

فرماندهان جهادی و مجاهدین

کشور عزیزم، دیدار و گفتگو نموده

او در ستورات لازم را در زابطه با نهیودی

و وضع جهاد و جبهات مربوط آنها

ارائه دارد.

\* امام خمینی در ریاضت به نامه منسوب

به جمیع کارتز، رئیس جمهور اسبق

آمریکا: رابطه آمریکا و ایران

را بطور گرگ و میش است و بین این دو

آنچه نیست.

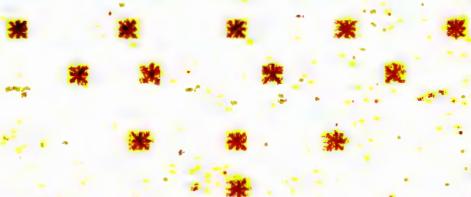
\* کنگره بین المللی هنرگذاشت حافظ

بتاریخ ۶۷/۹/۲۸ آغاز گارگرد و

درین کنگره، بیش از ۲۰۰ تن از شخصیت‌ها

علی و ادبی ایران و سایر نقاط جهان

- \* در زیم صهیونستی ۱۹۰۴ روزنامه نگار از رهبر فلسطین را بازداشت گرد.
- \* مخالفان دولت ترکیه، شنیدن نکردند.
- \* کنوان اورن رئیس جمهور ترکیه تصمیم مجلس این کشور، مبنی بر رفع منو هیئت خپور مجلسین تمجیده در ز اندکاه های ترکیه را و تو گشود.
- \* آنگولا توافق و توئیز مؤبد خسرو نیروهای کویا از این گشود را اخضاع و تاء شد گرد.
- \* شلغات طوفان در بنگلادیش، از سر ز ۵۰۰ تن گذشت، همچنان در جنوب بنگلادیش، تعداد ۱۰۰۰ تن رخمن و زیادی از نا پدیده شدگان، نیز جان خود را از دست راده بیا شند.
- \* سفیر شوروی در تهران: ما نیاز جدی برای تحکیم و توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران را احسان میکنیم.
- \* عبد الفقار "لکنوال" معاون وزارت خارجه دولت دست نشانده و شخصی هیئت تایپندگی افغانستان در سازمان ملل، از امریکا تقاضای پناهندگی گرد.
- \* وی که ماه گذشته در رام عیا، تسن به ضیور شرکت در مجمع همous سازمان ملل وارد نیو یارک شده بود و قرار بود در ۶۲/۸/۱۸، به افغانستان بازگردید و در روز پیش از پایان مدت اقامت، از امریکا تقاضای پناهندگی گزد.
- \* هند آمادگی خود را برای همکاری در بازسازی ایران اعلام گرد.
- \* مطابق این امر، آمار امریکا، پیش از ۲۳ میون امریکائی، باز پر خاطق پسر زندگی میگشند.



## اصلیت انسان

البته برای تحقیق آزادی در جامعه مردم باید با پیروی از عقل خود و داشتن تقوا  
به چنین امر اقدام کنند . آری : تعالیم اسلام برای مبنی است که این مقام عالی انسانی را از قیمت  
حیوانیست آزاد سازد ، یعنی عقل و اراده را بر امور جسمانی و شهوتی حاکم گرداند  
و بدینوسیله تکامل انسان را درجهت آن اهداف و معانی عالی حاصل نماید .  
والسلام .

## بعد از خروج قوای روس

در اخیر ما ز همه کشورها لیکه با ملت ما در قسمت اخراج قوای روسی  
همکاری های سیاسی و پشتیبانی های معنوی داشتند و با مهابا جرین مکاری  
همکاری های ما ری کردند ، از همه صمیما نه تشکر می کنیم و در عین حال  
مطابقه می کنیم که تا خروج کامل قوای روسی از افغانستان و تشکیل پیک  
ولت اسلامی ، که تو سیاست میباشدین پایه گذاری شده ، همراه ما همکباری  
بیشتر میباشد و هنوز حملات هوائی روسها ادامه دارد ، هنوز شناور روسها بسیار پاش  
تر سیده و هنوز حملات هوائی روسها ادامه دارد ، هنوز زمین ها ، سبب  
قتل و کشتار مردم میگردد ، هنوز حکومت مزدور روس در افغانستان ، با پیوی  
مردم را خریداری میکند و به جهات می فرستد و عساکر از سال ۱۳۴۸-  
را جلب و جمع آوری میکنند و پیرانی یک جنگ و سیع آمارگی میگیرند ، هنوز دسایس  
بین المللی آز طرف روسها خاتمه پیدا نکرده است .

لذا ما در حالیکه از همه کشورها و مخصوصا "کشور برادران از حکومت و  
مردم پا کستان قدر رسانی می کنیم ، از همه کشورها و کشورهای دوست  
مان که آینهای ما همکاری کردند ، قدر رسانی می کنیم و نیز از حاضرین محترم  
که قدم رنجه فرموده و درین کنفرانس شرکت ورزیده اند ، تشکر میکنیم .  
(و السلام عليکم و رحمته الله و برکاته )

## عرویان

شیخ ابواسحاق کا زرونى ( ۴۲۶-۳۵۲ھ ) می فرماید به  
( سه گروه فلاح نیا پند : بخیلان - ملوان و کا هلان ) و وی میفرماید که به  
( سعی کنید که چون از سابقان نتوانید بودن ، باری از دوستان ایشان  
با شلیل المرض میع من احبابه ) و هم فرموده :-  
( جهد کن که در دنیا از غفلت بیدار شوی ، که در آخرت پشیمانی بود  
ندارد )

## سیخ امیر عمومی

بوجود آمدن یک اتحاد واقعی در داخل احزاب خواهد بود .  
رسول: آیا درین موقع حساس و سرنوشت‌ساز، نیروی جوانان ما  
در انقلاب چه وظیفه دارد؟ آیا به جبهه بروند یا به تحصیل ادامه بدهند؟  
جواب: البته شما بهتر میفهمید، بخصوص درین لحظات حساس، طوری که  
قبل اشاره کردم، بوجود برادران آگاه در سنگرها، نیاز پیشتری  
است و بخطبوص در لحظاتی که اکثر نقا طکشور مایزه میشود، وجود  
آنها در سنگرها ضرور است و این لحظات، لحظات حساس و سرنوشت‌ساز  
است، اگر برادران آگاه، بخصوص محصلیان جوان در سنگرهای  
قرار بگیرند، خیلی بهتر خواهد بود .  
پاپان

## حضرت بلال حبشه (رض)

و رأى الله بيست، حضرت بلال (رض) سكونت وزندگی خود را بدون  
حضور ظاهری پیغمبر (ص) در مدینه منوره مشکل دید  
لذا اراده کرد تا چند روز دیگری که از عمرش باقی است، در جهان  
بگذراند .

روی این نیت، جهت شرکت در جهاد، از مدینه طیه بیرون رفت  
و تا مدت زیادی مراجعت ننمود، تا اینکه آنحضرت (ص) را در  
خواب دید که برایش میفرماید: این چه چفا است که پیش می‌  
گاهی نمی‌آئی؟

به مجرد بیدار شدن از خواب، قصد زیارت مدینه منوره نمود و  
او لیتر از همه حضرت بلال را حضرات حسن و حسین رضی الله عنهم دستور  
دادند تا اذان دهد، حضرت از تعمیل فرمایش این نور دیدگان  
چاره نداشت، لذا به اذان گفتن شروع نمود، وقتیکه آزاد  
از این زمانه پیغمبر (ص) به گوشها مورد مذپنه منوره رسید، هنگامه  
وغوغائی برپا شد و حتی زنها گریه کنان از خانه‌ها شان بیرون  
آمدند .

حضرت بلال (رض) بعد از چند روزی، از مدینه طیه مراجعت نمود و در  
سال بیستم (۲۰) هجری در دمشق وفات نمود .

(رضی الله عنہ و عنا)

# با زده دهیات اعزامی

## سازمان هنری از مناطق

### حوزه جنوب و غرب

به تفصیل در شماره آینده منتشر خواهد شد . (اداره)



فخرالدزد دیگر بامناره های زیبای او قمیز مردم شناس را جایستگاران روحیه خاک توده سپیدیل کرده اند

# **TOWHEED-E-SANGAR**

**Publishing organization central -  
committee Ershad jahadi  
South west Part Jamiat Islami  
Afghanistan Cultural Department.**

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*\*

\*

